

ISMAEL
REX

SOPHY
PERE

منصور حقیقت پور استاندار اسبق اردبیل
در تشریح فلسفه شکل‌گیری روز ملی استان اردبیل؛

مدل حکومتی صفویه الگوست

آیا شاه اسماعیل شاعر هم بوده است؟

شاه شاعر



دو هفته نامه فرهنگی وطن یولی، سال سوم، شماره ۲۲، ۸ صفحه

گزارش فعالیت‌های خانه استان اردبیل

خانه‌ای برای انس و الفت

اردبیل در متون تاریخی

آثار البلاد و اخبار العباد یک اثر جغرافیایی و تاریخی است که توسط زکریا ابن محمد ابن محمود القزوینی (۶۸۰-۶۰۰ هـ ق) در بین سالهای ۶۳۰ تا ۶۷۴ هـ ق به زبان عربی تألیف شده است.

قزوینی مؤلف کتاب در بخش اقالیم چهارم زیر عنوان آذربایجان آورده است:

«سرزمینی است که پهنای آن بین اران و کوهستان، شهرها و روستاها کوهها و رودخانه در آن سرزمین بسیارند و بی شمارند که یکی از آن کوهها سبلان است. به قول ابو حامد اندلسی،

آنچه به کس نتوان گفت

اردبیل اردبیلی‌ها



نادر بزرگر
کارشناس فرهنگی

وطن و حب به وطن یک حس درونی و عاطفی است که هر شهروند نسبت به زادگاه خود داشته و در طول زندگی آن را با خود به همراه دارد، حتی اگر در آنجا زندگی نکند؛ این احساس تعلق به مرز و بوم و فرهنگ با تمام عناصرش یک وابستگی به همراه دارد و اگر این موهبت به عنوان سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار بگیرد، ایجاد همبستگی کرده به منشا خیلی از تحولات مثبت میشود.

بهبانۀ این به نام روز ملی اردبیل وصحبت از اردبیل است، شهری با پیشینه تاریخی و فرهنگی و ویژگی‌های اجتماعی خاص خودش که در فراز و فرود تاریخ سیاسی اجتماعی کشور زمانی مؤثر بوده و هم متأثر شده است تا عصر حاضر که ما را در دامان خود پروراند است. هراسان متعددی در عرصه زندگی خود نسبت به پیرامون خود احساس مسئولیت می‌کند و این مسئولیت مراتب و اولویتی دارد، از مسئولیت نسبت به خدا تا خلق خدا از خانواده تا به خانه و به فراخور آگاهی و فرهنگ هر فردی متفاوت می‌باشد و در یک زندگی متعهدانه است که این بار مسئولیت معنا پیدا می‌کند و افراد بر حسب شرایط و بضاعت خود برای آن تلاش میکنند. موضوع بحث مسئولیت و رسالت ما در قبال شهر و همشهری‌های خودمان است که لازمه آن شناخت ما از رابطه با اردبیل و اردبیلی‌هاست که آنها از ما چه چیزی انتظاری دارند و ماددوست داریم آنها چگونه باشد.

اگر مروری به وضعیت استان در بخش‌های مختلف داشته باشیم متأسفانه علی‌رغم داشتن ظرفیتهای مختلف شاهد خیلی از مشکلات در زمینه توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی هستیم، و این به معنای بدبینی و عدم توجه به داشته‌ها نیست بلکه به لحاظ استعداد و شرایط‌های مطلوبی که می‌توانیم داشته باشیم؛ استانی که به لحاظ تاریخی دارای پیشینه و در یک مقطعی به عنوان مرکز حکومت شیعی بوده، استانی که به لحاظ جغرافیایی دارای زمین‌های حاصلخیز

برگردند؛ مورد دوم در مورد وضعیت اردبیلی‌های مقیم مرکز که تعامل خوبی بین آنها حاکم نیست، تهران را که می‌گویند ایرانشهر محل مهاجرت از شهرهای مختلف می‌باشد و این همشهری‌ها به عناوین مختلف به دلیل تعلقات مشترک دور هم جمع میشوند که اردبیلی‌ها نیز در قالب هیات ویا انجمن‌ها از این کار انجام می‌دهند ولی متأسفانه هنوز این تعاملات منجر به یک فعالیت اجتماعی ویا اقتصادی جمعی نشده است؛ مثل دریانیهای مقیم تهران که می‌تواند به عنوان یک نمونه مثبت مورد توجه قرار بگیرد، در این روستایی است در اطراف تبریز که به همت بزرگانی که در تهران هستند اکثراً در صنف خواربار فروشی به طور تخصصی فعالیت می‌نمایند به طوری که اکثر خواربار فروشی‌های شمال تهران دست این هاست، اما این قضیه به خودی خود شکل نگرفته، بلکه با تاسیس انجمن دریانیهای مقیم ساز و کارهایی را برای جذب و حمایت از همشهری‌های خود کرده اند، به طوری که یک نفر بیکار در این شهر پیدا نمی‌شود، در حالی که چند تا صنوف مختلف در تهران هستیم ولی آن انسجام و هماهنگی را نداریم، حتی در نظام اداری نیز کمتر اردبیلی را شاهد هستیم که در یک سیستم از همشهری خودش حمایت کرده و زمینه همکاری را فراهم نماید. منظور از بیان مطالب بالا تامل و تفکر در مسائل مختلف بین همشهری‌ها است که متأسفانه همدلی و همیاری و هم افزایی در این آنها کمتر دیده می‌شود نیست و موفقیت‌ها بیشتر فردی است. چند سالی است که به همت بعضی از بزرگان استان، خانه استان اردبیل با شعار "هم یابی، همدلی، همیاری و هم افزایی اردبیلی‌های مقیم مرکز جهت انتقال منابع و تجربه‌ها به استان شکل گرفته اقدامات زیادی در آن انجام گرفته، اما هنوز در ابتدای راه هستیم، بویا آرمان واقعی خودمان فاصله زیادی داریم. پس چه باید کرد؟ استان اردبیل دارای استعداد‌های فراوان طبیعی، انسانی و فرهنگی است و تنها در سایه وحدت، تعامل و همدلی است که خواهیم توانست منشأ تحولات رو به رشد استان شویم، و این در سایه کار فرهنگی و تمرین مدارا و همبستگی خواهد بود. امید است با عنایت خداوند متعال و و همت و همدلی همه اردبیلی‌ها شاهد بهبود در فاه و آسایش تمام نقاط استان و هم استانی‌ها باشیم.

رویش بذر مهربانی جشنواره حساب‌های قرض الحسنه بانک ملی ایران



- ۹۰ کمک هزینه خرید واحد مسکونی هر یک به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان
 - ۲۹۰ کمک هزینه خرید خودروی داخلی هر یک به مبلغ ۵۰ میلیون تومان
 - ۳۹۰ کمک هزینه خرید کالای ایرانی هر یک به مبلغ ۲۰ میلیون تومان
- آخرین مهلت جهت افتتاح حساب و یا تکمیل موجودی پایان مرداد ۱۳۹۷



”



منصور حقیقت پور **استاندار** **اسبق اردبیل** **در تشریح فلسفه شکل گیری روز ملی استان اردبیل؛**

مدل حکومتی صفویه الگوست

از همین بحث شروع کنیم که اساساً فلسفه روز اردبیل مطرح شد، انتخاب شد، از کجا آغاز شد، ایده چگونه بود و فلسفهاش چه بود. دلیل اینکه دنبال این موضوع رفتید چه بود.

آن دوره‌ای که به‌عنوان استاندار در اردبیل بودیم مقداری قبل از آن هم، احساس میکردیم که در پیشینه تاریخی اردبیل در و گوهرهایی وجود دارد، که ما ضمن اینکه این در و گوهرها را در ذخایر فرهنگی خودمان داریم. امروز در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی هیچ استفاده‌ای از آن موارد نمیکنیم و حیف بود ما مثل انسانهایی که دارای یک ذخایری از گنج هستند ولی فقیر زندگی میکنند. چه فقر فرهنگی، چه معنای اجتماعی، چه ذخایرمان برزیم. آن موقع بود که ما میتوانستیم هم به لحاظ فرهنگی تلاو داشته باشیم، هم به لحاظ سیاسی، هم به لحاظ سایر موارد.

ما یاقیتیم علیرغم در دوره پهلوی نسبت به تاریخ صفویه بعضاً قضاوت‌های نابجایی شده بود و احساس کردیم که در دوره صفویه کشور ایران به دستاوردهای تمدنی رسید که این دستاوردهای تمدنی به شدت ذقیمت برای ما جامعه شیعه‌است.

هسته اولیه تفکر صفویه هم در اردبیل شکل گرفت. ما احساس کردیم که صفویه جز اینکه تلاش کرد مجموع اندیشه شیعی را در چارچوب حکومتی قرار دهد. مدلهای خیلی خوب را از این فکر و اندیشه توانست ارائه بدهد که من متأسفم از اینکه ما در تدوین این مدلها قاصریم و کوتاهی کردیم. اردبیلیها بیشتر قاصرند چون صاحب این مدلها هستند. در سطح کشور هم خیل کم به این موارد پرداخته شده است.

مدل حکومتی ارائه شده توسط صفویه یک چیزی شبیه به جمهوری اسلامی ایران است. یعنی دین از سیاست جدا نیست. یک آمیختگی مثبتی بین دین و سیاست شکل گرفته که این باعث جهش و انقلابات مختلف شده است. حاصل این آمیزش و این همنشینی دین و سیاست تولید مدلی از حکومت است که فقیه در کنار والی است و والی برای اقدامات خودش از فقیه و مجتهد اجازه میگیرد و همراهی میکند و حرفشونی دارد. حتی آنجایی که یال سیاست قوی است. یال قفاهت ضعیف است، فقیه را از جبل عامل می آورند. همین آقای عاملی ما ریشه اش جیل عاملی است. علامه های دهر و بزرگی از آنجا بلند میشوند و می‌آیند و در کنار والی قرار میگیرند. رفتار والی جواز شرعی پیدا میکند. همین ولایت فقیه. یک مدلی از ولایت فقیه است. پس اندیشه سیاسی صفویه به ما یک مدل حکومتی میدهد که ما بعد از ۴۵۰ سال تازه توانستیم جمهوری اسلامی ایران با تلاش و کوشش امام راحلمان توانستیم پیدا کنیم. اگر بچه های علوم سیاسی ما بیایند رساله در این قسمت بگیرند میتوانند هزاران کتاب بنویسند و میتوانند کرسی دانشگاهی برای فکر

سیاسی و دینی دوره صفویه را ایجاد کنند.

در فقه آ یا در دوره صفویه استنباطات و احکامی که فقیه اردبیل صادر میکند با فقهای قبل خودش در یک سطح است. نه، اگر در گذشته ما مجتهدمان و فقیه مان تمرکز به مسائل فردی و عبادی و انفرادی داشت اینجا الان ما فقه اجتماعی داریم، فقه سیاسی داریم. مقدس اردبیلی طلایه دار این فقه است. در این قسمت ما یک مدل بسیار وسیعی داریم.

مدل دیگری که صفویه توانست ارائه بدهد هنر است. هنری که در معماری و شهرسازی و الان در کشورمان داریم، در عراق داریم در جاهای دیگر داریم، در اصفهان

داریم، در مشهد داریم، حاصل هنری است که در مکتب صفویه که ما میگوییم مکتب اردبیل ایجاد شده است.

ما تجسم یافته های شیعی خودمان را در قالب دیتیل های مهندسی و معماری پیدا میکنیم. حاصلش میشود بهترین آثار هنری ایرانی مان برای این عصر است. باز هم اینجا من میخوام بگویم دین، هنر و حاکمیت با هم قاطی میشود. یعنی فقیه در کنار هنرمند در کنار والی قرار میگیرند برای اینکه مثلا یک ضریح طراحی میشود. مثلا یک قوس، حرم، گنبد طراحی شود، یک شعری سروده میشود. شما بروید کتیبه های فارسی، عربی، ترکی، در گریو گنبد علیبن ابیطالب علیهالسلام را بخوانید. در زمان نادر این اتفاق افتاده است که ادامه

کار در واقع صفویه است. به نظرم تدابیر را نادر میدهد. شاعر شعر را امیکوید و فقیه هم تأیید میکند که این شعر مشکل محتوایی ندارد و حالا اجرایش بکنید. این قطعه از تمدن و هنر اسلامی، نورانی ترین قطعه است. باز هم پس ما یک مکتبی را در هنر در معماری حتی در مهندسی کارهایی که شیخ بهایی در توزیع آب، در مهندسی اصفهان کرده است یا در اردبیل کرده یا در جاهای دیگر کرده، ببینید چقدر هنوز که هنوز است بعد از ۴۵ سال هیچکسی نتوانسته این کار را انجام بدهد. حاصل آن تجمیع است. آیا فقط همین شقوق است. آیا دستاورد صفویه همین است. نه، در دفاع، مکتب جدیدی

است. چیزی که ما در جمهوری اسلامی به آن رسیدیم. یعنی اول سرباز، تغذیه اعتقادی میشود. بعد مسلح میشود، میشود بسیج. قبلاً اینطوری نبوده است. این مکتب صفویه است و این از حوزه اردبیل به حوزه قزوین، از حوزه قزوین به حوزه اصفهان منتقل شده است و به مرور هم تکامل پیدا کرده است. پس در دفاع هم هست. در اقتصاد هم هست. تفکر اقتصادی صفویه دارای اصول و مبایئی است. مثلاً چیزی که الان ما میگوییم خامفروشی تکنید جزء دستورالعملهای مثلاً شاه عباس است که توتیمه میکنند شما خامفروشی نکنید، تبدیل کنید بعد بفروشید. در شعر در موسیقی هر کدام اینها را گوشه اش را بگیرید بیااید جلو میبینید یک چیزی. ما این یافتههای تمدنی، اعتقادی، سیاسی و مکتبی که در دوره صفویه اتفاق افتاد به آن مکتب اردبیل میگوییم

ما چگونه باید به این برسیم. چگونه به مردمان بگوییم و چگونه مردمان را اطلاع‌رسانی کنیم. ما قرار دهد. مدلهای خیلی خوب را از این فکر و اندیشه توانست ارائه بدهد که من متأسفم از اینکه ما در تدوین این مدلها قاصریم و کوتاهی کردیم. اردبیلیها بیشتر قاصرند چون صاحب این مدلها هستند. در سطح کشور هم خیل کم به این موارد پرداخته شده است.

مدل حکومتی ارائه شده توسط صفویه یک چیزی شبیه به جمهوری اسلامی ایران است. یعنی دین از سیاست جدا نیست. یک آمیختگی مثبتی بین دین و سیاست شکل گرفته که این باعث جهش و انقلابات مختلف شده است.

عرفان در جهان است. اگر دقت کرده باشید مقام معظم رهبری در وصف صفویه در اردبیل گفتند عرفان مجاهد، چیزی که ما فقط در انقلاب اسلامی دیدیم مثلاً شهید چمران، شهید صیاد. اینها عارفانده ولی عارفی نیستند که به معنی گوشه‌های چهل روز چیزی نخورند و با یک بادام زندگی کنند و بخوانند رشد عرفانی پیدا کنند. عارفی هستند که شمشیر به کمر میبندند و میروند در میدان با دشمن خدا و دشمن دین میجنگند تا رتقا، یابند.

ما آمدیم یک روزی را به نام روز اردبیل انتخاب میکنیم. تمامی محققین یافتههای خودشان را در مکتب اردبیل در روز اردبیل می‌آیند ارائه میدهند. برای مکتب اردبیل

دانشگاه میزنیم، فارغالتحصیل میدهیم. واقعاً اینهایی که گفتم در حد یک اندیشکده، پژوهشکده نیست که ما آدم بگیریم و تربیت کنیم.

روز اردبیل بدین دلیل که به مردم بگوییم برگردید به ذخایر ارزشمندی که در بستر تاریخ داشتید و به آن چنگ بزنید و از دفاعش و از عالمش و از همه چیزش استفاده کنید.

برنامههای مفصلی را پیشبینی کردیم. در روز اردبیل قرارد بود تمام مفاخر اردبیل که تولید علمی میکنند. کتایی مینویسند اختراعی میکنند به عنوان روز اردبیل ازش تجلیل و مدال صفویه یا مدالش هم طراحی شده است. الان مدالش را در میراث فرهنگی اردبیل ما طراحی کردیم. همان لوحی است که صفویه یا حنان یا منار را طراحی کرده، همان را گفتیم مدال روز اردبیل. اردبیلیهای فاخر را در علم و تکنولوژی و ورزش را و در همه چیز را ما میتوانیم تجلیل کنیم. روز اردبیل میتواند در واقع اردبیلیها را در ابعاد مختلف به جلو ببرد و رشد بدهد، به شرطی که متوالیان امر مطلع باشند که روز اردبیل یعنی چه. چرا بنده این روز را مطرح کردیم و چرا آوردم در شورای فرهنگی عمومی استان به تصویب رساندم و اولین جلسه آن را در اردبیل خودم اجرا کردم و از آن بد گفتیم.

هدف ما از طراحی روز اردبیل برای این بود.این روز روز فخر ماست. یعنی روز بالیدن به داشته های تاریخی و فرهنگی است.چون مجریان ودستاندر کاران نمیفهمیدند دارند چه ملنا من امیدوارم عزیزانمان به یک معرفی به روز اردبیل برسند.

من برای روز اردبیل یک سرودی تولید کردم و خوانده شدم. متأسفم یکبار پخش نمیشود. شاعر را در کنار آهنگساز بردم. پیش ولی فقیه و خودم هم والی بودم. شاعر شعر گرفته و نماینده ولی فقیه گفته این کلمه ات را این کار رکن واتفاقی که در دوره صفویه افتاده بود. یعنی الان آن سرودهای که آقای ودود مودن زاده خواند که خدا کند شما در این مراسم پخش کنید، سی دی کنید و مجانی بدهید؛ نگاه کنید تمام ارزشهای اردبیل را دارد. اعتقاد به امام حسین (ع) به حضرت ابوالفضل العباس (ع) عشق به اسلام، خانواده، دوستی، اسم تمام قومیتها، اسم تمام شهرها را در این شعر آوردیم. ای کاش ما آن موقع یک اجرا کردیم هر سال دو تا از این سرودها تولیدشود.

از این انتقاداتان استفاده کنیم. در واقع شما می‌گویید که توسعه سرمایه گذاری مثال اقتصادی رانیت بدی ندارند. شما در واقع میگویید یک مبانی فکری فرهنگی برای مباحثات اردبیلی بودن بسازیم از دل آن فکر خود به خود توسعه استان هم در مرحله بعدی به وجود می آید.

بله، برای توسعه استان صد تا برنامه بگذارند. خیلی خوب است من دستشان را بوسم ولی روز اردبیل را به مسلخ نبودند. بگذارند روز اردبیل روی این ریلی که تنظیم شده جلو برود تا به مقصد برسد.

نسبت این محلیگرایی با ملیت‌مان و ایرانیتمان چه هست؟

در طول هم هست. این تعارضی در آن ندارد. در عرض برسیم. چگونه به مردمان بگوییم و چگونه مردمان را اطلاع‌رسانی کنیم. ما قرار دهد. مدلهای خیلی خوب را از این فکر و اندیشه توانست ارائه بدهد که من متأسفم از اینکه ما در تدوین این مدلها قاصریم و کوتاهی کردیم. اردبیلیها بیشتر قاصرند چون صاحب این مدلها هستند. در سطح کشور هم خیل کم به این موارد پرداخته شده است.

مدل حکومتی ارائه شده توسط صفویه یک چیزی شبیه به جمهوری اسلامی ایران است. یعنی دین از سیاست جدا نیست. یک آمیختگی مثبتی بین دین و سیاست شکل گرفته که این باعث جهش و انقلابات مختلف شده است.

عرفان در جهان است. اگر دقت کرده باشید مقام معظم رهبری در وصف صفویه در اردبیل گفتند عرفان مجاهد، چیزی که ما فقط در انقلاب اسلامی دیدیم مثلاً شهید چمران، شهید صیاد. اینها عارفانده ولی عارفی نیستند که به معنی گوشه‌های چهل روز چیزی نخورند و با یک بادام زندگی کنند و بخوانند رشد عرفانی پیدا کنند. عارفی هستند که شمشیر به کمر میبندند و میروند در میدان با دشمن خدا و دشمن دین میجنگند تا رتقا، یابند. ما آمدیم یک روزی را به نام روز اردبیل انتخاب میکنیم. تمامی محققین یافتههای خودشان را در مکتب اردبیل در روز اردبیل می‌آیند ارائه میدهند. برای مکتب اردبیل

اردبیلی بودن دشوار است!



دکتر میر جلال الدین کزازی

استاد بازنشسته دانشگاه علامه طباطبایی

با درودی گرم از بُن جان و دندان به یکایک شمایان مردمان نژاده، پак‌نهاد و گرمای استان اردبیل که در این روز فرخنده و در این بزم باشکوه گرد آمده‌اید تا بیش از پیش درباره استان و شهر اردبیل و پیشینه این استان و شهر در تاریخ گران‌سنگ و نازش‌خیز ایران بدانید. اردبیل بی هیچ گمان یکی از کهن‌ترین، گرمی‌ترین، گرانمایه‌ترین بوم‌ها و سرزمین‌های ایران است. اگر ما از نام اردبیل آغاز کنیم، این نام را بشکافیم، سرگذشت آن را بیابیم، آشکارا نمود برجسته فرهنگ و تاریخ ایران را در نام این شهر و استان هم می‌توان دید.

اردبیل که در ریخت کهن‌تر آن آرتابیل بوده است از دو پاره ساخته شده است. پاره دوم کمابیش آشنای همگان است؛ ویل یا بیل به معنای شهر است که واژه‌ای باستانی و هندواروپایی است که در پاره‌ای دیگر از زبان‌های وابسته به این دودمان گسترده زبانی هنوز کاربرد دارد، در زبان‌های اروپایی از آن میان. ما این واژه را هم در ریخت کهن‌تر که ویل است و هم در ریخت نوتر که بیل، در نام شهرهای دیگر هم می‌یابیم، مانند دژبیل، شوربیل، دشت‌بیل.

اما آن پاره‌ای که مایه نازش و سرافرازش اردبیلی‌مان می‌تواند بود، پاره نخستین این نام است، آرتا یا اِشا، واژه‌ای کهن که از زبان مینوی و آیینی اوستایی به یادگار مانده است. ما این واژه را در بسیاری دیگر از واژگان و نام‌ها می‌یابیم؛ اردستان، اردکان، اردشیر، اردوان، یا در در واژه بسیار آشنای اردبیهشت یا آردیههشت که نام یکی از شش فرشته برین و (یویاقین؟) در آیین زرتشتی است، سه فرشته‌ای که آنها را امشاسپندان می‌نامیم، به راستی شش ویژگی اهورامزدا خدای باستانی ایرانیان است، نام دومین بهار هم هست.

آردبیهشت به چه معنی است؟ آردبیهشت یا در ریخت نوتر آن اردبیهشت، به معنای بهترین راستی است. بهشت که نام آن باغ آیینی و آرامنی است که ما ایرانیان و از آن میان شما اردبیلیان پس از مرگ راه بدان خواهید جست، به معنی بهین است، بهترین. بهشت، وهیشْ‌آخو بوده است، به معنی زندگانی بهین، دوزخ، دژآخو به معنی زندگانی زُشت، پلُشت، بد.

آرتا را راستی گزارش کرده‌اند اما معنای باریک این واژه یا نام سامان کیهانی است، آماج آفرینش. جهان سامان‌مند است، بدان آستان که پیر شسبتر گفت مانند چشم و خط و خال و ابروست که هر چیزی در آن در جای شایسته خود نهاده‌ینه شده است. جهان به سامان است، می‌شتابد به سوی اشا یا آرتا. هر آن چه این روند را، روند پویه پایدار جهان آفرینش به سوی آرتا را در دبری درنگ بیافکنند، گزند و زیان برساند، اهریمنی است. واژه‌ای هست که در گویش‌ها و زبان‌های بومی ایران هنوز کاربرد دارد، شاید در زبان شما اردبیلیان، من اردبیلی را در معنی کسی که از استان اردبیل است به کار می‌برم، واژه پُتیاره، به معنی گزند و آسیب بزرگ، زیان فراگیر و همه‌سویه.

پتیاره در بُن به معنی هر آن چیزی است که راه را بر راستی یا آرتا می‌بندد، شما اردبیلیان، در نام شهرتان، بوم‌تان، استان‌تان، واژه‌ای چنین نغز، ناب و کهن را دارید و به کار می‌برید. همین نام به تنهایی گویای دیرینگی اردبیل است. اردبیل آن چنان که گفته آمد شهر تاریخی است، یکی از شهرهای بزرگ و بنیادی و کلان ایران‌زمین بوده است. پیش از آن که تبریز کانون آذربایجان بشود، اردبیل شهر برین این سرزمین کهن بوده است.

چرا تبریز جای اردبیل را گرفت؟ در تاریخ می‌خوانیم، زیرا مردم اردبیل آن چنان گره، دلیز، سلخسور، ایران‌دوست بودند که در برابر مغولان، آن دذمنشان بَد‌کنِشْ، آن خون‌ریزان بی‌پرهیز مردانه ایستادند، سه بار مغولان به این شهر تاختند، هنگامی که آن را گشودند از خشم و از کین شهر را با خاک یکسان کردند. اردبیل آن چنان ویران شد که به ناچار شهر دیگر جای آن را گرفت. آن ویرانی که به صد آبادانی می‌آزرد، اگر ما به پاس ماندگاری ایران ویران بشویم به راستی ویران نشده‌ایم و این ویرانی مغز آبادانی است.

شما اردبیلیان اگر خود را آن چنان که می‌سزد بشناسید، بی‌گمان نازان خواهید بود که این بخت بلند را بافته‌اید که در یکی از ایرانی‌ترین سرزمین‌های این کشور سهند اهورایی زاده‌اید و می‌زی‌اید. اردبیلی بودن در شناسنامه آسان است اما در خوی و خین، در منش و کنش اردبیلی بودن کاری بسیار دشوار است زیرا اردبیلی به ناچار ایرانی ناب و نژاد است، ایرانی نمونه است، زیرا اردبیل شهر آرتاست، شهر راستی است، شهری که آرمان و آماج جهان هستی است.

آذربایجان، آتورپاتگان یکی از گرمی‌ترین و کهن‌ترین سرزمین‌های ایران است. زادگاه (هَشور؟) باستانی ایران، زرتشت است. بر پایه بازگفت همین و بنیادین از سرگذشت زرتشت، این یَئِمَبر آریایی ایرانی، در دهستانی به نام راق دیده به دیدار جهان گشود، این دهستان در کجاست؟ در دامنه سبلان! شما با زرتشت هم‌بوم هستید. هنگامی که زرتشت بالید، بر ستیغ سبلان فرا می‌رفت، بر آن می‌ایستاد، روی به سوی آسمان می‌آورد، با خدای خود راز می‌گفت و او را نیایش می‌برد. سرزمین‌های ایرانی همه گرمی‌اند، هر بَدَسْت از این خاک تابناک به دهها کشور می‌آزرد. من شورمندانه بر گراف سخن نمی‌گویم، آن چه بر زبان می‌رود دستاورد سال‌ها پژوهیدن و اندیشیدن است. ایران سرزمین فَرّ و فروغ و فرزانی است، سرزمین مهر و آرامش و آشتی است. ایران هزاران سال رهنما و رهبر جهان بوده است. ایران سرزمین راستی است. مگر نه این است که داریوش بزرگ در آغاز سنگنبشته بیستون که درازترین سنگ‌نبشته جهان است خداوند را سپاس می‌گزارد که راستی را برای مردمان آفریده است.

اگر اردبیل یکی از ایرانی‌ترین سرزمین‌های ایران است، کار بر اردبیلیان دشوارتر می‌شود و باری که بر دوش دارند و می‌برند گران‌تر، به هر روی من به فرجام گفتار خویش می‌رسم. پادی از بخش‌های دیگر از استان اردبیل بیاروم و دامان سخن را برچینم. جایی دیگر در استان اردبیل که نامی تا سخیز دارد و ما را به ژرفاهای فرهنگ و تاریخ‌مان می‌برد دشت مُغان است. دشت مغان یکی از بخش‌هایی از استان اردبیل است که گواه رخدادهای بزرگ تاریخی بوده است.

مگر نه این است که پسر دلیر شمشیر، نادر، هنگامی که ایران را از چنگ دشمنان دیوخوی رهاید در دشت مغان شمشیر خود را برافراشت و گفت با این شمشیر من ایران را رهانبدم و اکنون می‌خواهم این شمشیر را در نیام فرو ببرم. ایرانیان او را باز داشتند و گفتند و تو ایران را رهانبیدی و یک‌پارچگی بخشیدی و اینک زمان آن است که آن را سامان بدهی و از آن چه که کشته‌ای هم تو بهره ببری هم ایرانیان. نادر به خواست آنان تن درداد در اردبیل تاج بر سر نهاد.

یکسان نگری، همگرایی و همدلی؛ راهکار توسعه

دکتر بشیر خالقی

نماینده مردم شریف شهرستان های خلخال و کوثر



برای پاسخ به ضرورت همگرایی در میان اردبیلی ها (استان اردبیل) ابتدا باید به ظرفیت های غنی در زمینه توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و طبیعی و در نهایت استعداد های شگرف انسانی و استثنایی این سرزمین نگاهی بیندازیم و سپس از خود بپرسیم: چرا سرزمینی که در طول تاریخ همواره یکی از قطب های مهم کشور در سیاست، دینمذاری و تاریخ سازی بوده، اکنون نتوانسته جایگاه شایسته خود را در میان سایر استان ها پیدا کرده و حتی در مجامع ملی و بین المللی بدرخشند؟

بدیهی است بخشی از این توسعه نیافتگی به نبود برنامه ریزی مناسب و هدفمند توسط مسئولان استانی و شهرستانی و صدا البته عدم اجرای آمایش سرزمین و توزیع نامتوازن و ناهماهنگ جغرافیایی فعالیت های اقتصادی-اجتماعی در پهنه کشور نسبت به قابلیت ها، منابع طبیعی و انسانی برمی گردد؛ اما در دیدگاه بنده، آنچه مهم تر است تغییر نگرش در بهره گیری از نیرو های انسانی توانمند و شایسته استان است؛ چه داخل آن و چه خارج از آن. امروز لازم است همه ما از اردبیل و خلخال و مغان و مشکین شهر و همه و همه به دور از تعصبات جناحی، عقیدتی و سلیقه ای، با وحدت و همدلی دست در دست هم بدهیم و با همگرایی و هم افزایی توانایی ها و پوشش نواقص موجود، راه توسعه را در این سرزمین مقدس هموار سازیم.

می دانیم که به دلیل مهاجرت بی رویه و هجوم جمعیت از استان ما به پایتخت و شهر های اطراف آن، شمار زیادی از نیرو های انسانی نجبه، فرهیخته و توانمند استان، راهی دیار غربت شده و به لطف

بخشی از این توسعه نیافتگی به نبود برنامه ریزی مناسب و هدفمند توسط مسئولان استانی و شهرستانی و صدا البته عدم اجرای آمایش سرزمین و توزیع نامتوازن و ناهماهنگ جغرافیایی فعالیت های اقتصادی-اجتماعی در پهنه کشور نسبت به قابلیت ها، منابع طبیعی و انسانی برمی گردد؛ اما آنچه مهم تر است تغییر نگرش در بهره گیری از نیرو های انسانی توانمند و شایسته استان است؛ چه داخل آن و چه خارج از آن. امروز لازم است همه ما به دور از تعصبات جناحی، عقیدتی و سلیقه ای، با وحدت و همدلی دست در دست هم بدهیم و با همگرایی و هم افزایی توانایی ها و پوشش نواقص موجود، راه توسعه را در این سرزمین مقدس هموار سازیم.

لهی، تعداد کثیری از آنان دارای امکانات فکری، مالی و معنوی فراوانی هستند و

اردبیل در یک نگاه



دکتر حسین بشیری گیوی

ها را کاهش دهند، در حالیکه برنامه های هفته اردبیل با افزایش همبستگی اجتماعی در بین شهروندان این امر را در بطن خود انجام می دهد در واقع در هفته اردبیل میزان مشارکت فرهنگی و اجتماعی به بالاترین میزان خود می رسد و پویایی فرهنگی و اجتماعی در شهر فضاهای شهری را پر می کند.

دوما در این هفته بیشتر برنامه ها به یاد استان هم دعوت می کردند که در آن مراسم شرکت کند. ولی در چند سال اخیر هفته استان اردبیل به بهانه سالروز استقرار سلسله صفویه در ۴ مرداد که روز شیخ صفی الدین اردبیلی هم محسوب می شود در استان اردبیل برگزار می شود. در همه کشورهای پیشرفته دنیا چنین جشن ها و کارنوال های فرهنگی و هنری برگزار می شود به عنوان مثال همه ساله در قونیه برای بزرگ داشت روز مولوی برنامه های متنوع و کارنوال های فرهنگی و هنری مبسوطی برگزار می شود که در آن زمان این برنامه مهمترین محور گردشگری فرهنگی ترکیه بشمار می آید. برنامه های هفته اردبیل از چندین بعد قابل توجه است که تاثیر مثبت بر هویت و توسعه اردبیل می گذارد.

اولا در هفته اردبیل سازمان های مردم نهاد برنامه های فرهنگی خود را برگزار می کنند و در این برنامه ها همبستگی اجتماعی تقویت می شود. هر چه میزان همبستگی اجتماعی بالا رود به همان میزان آسیب های اجتماعی کاهش می یابد. دولتمردان و مسئولین درصدد هستند که با هزینه های میلیونی حداقل یک درصد از میزان آسیب

خوشبختانه به دلیل غلقه های شخصی و خانوادگی، مایلند داوطلبانه به زادگاه خود کمک کنند و این فرصت بسیار بزرگی است که در اختیار مسئولان قرار دارد. امیدواریم بتوانیم از این ظرفیت عظیم برای جذب سرمایه گذاران و استفاده از نظرات و تجربیات اردبیلی های مقیم در تهران و سایر شهرها و کشورها استفاده کنیم تا یک حرکت مؤثر را در عمران و آبادانی استان اردبیل شاهد باشیم.

تاکید می کنم راهکار توسعه استان، اراده و همت همگان بویژه مسئولان مرکز استان برای تغییر نگرش گذشته در گزینش نیرو های توانمند، یکسان نگری به همه بخش های استان و پرهیز از اختلافات جناحی و گروهی، بهره گیری از علم و تجربه صاحب نظران و کارشناسان و متخصصان هم استانی در سراسر کشور بویژه پایتخت است. روز ملی استان اردبیل، همین قدر که یکایک مردم استان را به رغم دیدگاه های فکری مختلف و گاه متضاد برای توسعه استان گرد هم می آورد، فرصت و غنیمت بزرگی است که ان شاء الله همراه با برکت هم خواهد بود و باید از دست اندرکاران آن تجلیل کرد.

حمایت بانک ملی ایران از پروژه راه آهن اردبیل



دکتر محمدرضا حسین زاده

مدیرعامل بانک ملی ایران

سراغاز هر نامه نام خداست که بی نام او نامه یکسر خطاست خواهران و برادر گرامی، همشهریان عزیزم، و هم استانیهای خوبم، بنام دوست گشاییم دفتر دل را به فر عشق فروزان کنیم محفل را

برنامه وزین شما مرا به یاد سالهای دور برد، به سال ۱۳۶۳، سالی که قرار بود برای استاد بی بدیل شعر و ادب ایران و افتخار آذربایجان، مرحوم شهیار مراسم تجلیلی برپا کنند. علیرغم میل ایشان همچون حقیر، با این یادآوری که جایگاه رفیع آن استاد با اینجانب از زمین تا آسمان فاصله هاست، مراسم تجلیلی را برای استاد برگزار نمودند. استاد شهیار برای آن مراسم، غزلی سرود تحت عنوان «تجلیل تحمیلی» دو بیت اول آن غزل که حرف دل این خدمتگزار میباشد چنین است:

از ما چه جای جلوه که تجلیل میکند؟
تا با کدام تجزیه، تحلیل میکند؟
نقصی مگر مجادله های گذشته داشت؟
که اکنونش از مجامله تکمیل میکنند؟

حضار محترم!
عمیقاً بر این باورم که هم استانی های پرشمار برای توسعه استان تاریخی اردبیل تلاش و کوشش می کنند که همه آن عزیزان بیش از اینجانب شایسته تجلیل و قدر دانی می باشند. اما اگر بخواهیم از بین خیل این عزیزان نامی ببرم، بدون تردید نام دو شخصیت گرانقدر، بیش از همه به چشم میخورد: بنده شاهد بودم و هستم که حضرت آیت الله جناب دکتر عاملی نماینده محترم ولی فقیه و امام جمعه محبوب اردبیل به عنوان پدر معنوی استان تا چه اندازه نگران آینده فرزندان این استان می باشند و دغدغه رشد و توسعه استان را دارند. مکرراً با اینجانب تماس تلفنی داشتند که فلانی، برای این استان و فرزندان این استان کاری بکنید.

هنوز صدای محزون ایشان در گوشم می پیچد که در خصوص راه آهن اردبیل تماس داشتند و با غم و نگرانی می فرمودند که استان ما مظلوم واقع شده است، کاری باید کرد.

نیز، به عنوان خدمتگزاری که در مرکز هستم، شاهد این میباشم که برخی استانداران و مدیران استانی برای پیگیری مسائل منطقه شان گاه و بیگاه مراجعاتی دارند. اما به جرأت می توانم بگویم هیچ استانداری با کمال احترام به ایشان، به اندازه برادر عزیزم جناب مهندس بهنامجو دنبال کارهای استان نیستند. ایشان شبانه روز، وقت و زمان خود را وقف استان نموده اند و میتوانم بگویم از هر اردبیلی، اردبیلی ترند.

البته در این بین الحق باید از تلاش نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و دیگر دلسوزانی که پیگیر مسائل استان هستند

همگرایی اجتماعی محصول روز استان



مهدی فرنیان

مدرس دانشگاه و مسئول کمیته مهندسان خانه استان اردبیل در جهان امروز مقوله هویت و ارتباطات انسانی رابطه تنگاتنگی با هم ایجاد کرده است. از طرفی انسان ها فقط تابع یک هویت واحد نیستند، بلکه به هویت های متعددی وابسته اند. شخص می تواند همزمان هویت ملی، مذهبی، قومی، طبقاتی و سیاسی خاصی داشته باشد و هیچ تعارضی میان هویت ها به چشم نمی خورد. این هویت ها از یک سو جنبه اجتماعی دارند یعنی بر اساس پیوند میان خود و شکل های اجتماعی پدید می آیند و از سوی دیگر نسبی هستند و در طول زمان دستخوش تغییر می شوند. بعبارت بهتر این تحول هویتی به طرز تاریخی صورت می پذیرد.

از طرفی ارتباطات وسیله ای است که از طریق آن انسان ها به خلق و حفظ و توسعه روابط خویش با یکدیگر می پردازند. ضمناً یکی از عواملی که در رفتار ارتباطی اشخاص اثر انکار ناپذیری دارد نیاز آنها به همبستگی Need for affiliation یا نیاز به

نام برده و از ایشان قدر دانی نمود.

و اما حضار گرامی!

بانک ملی ایران به عنوان بزرگترین بانک جهان اسلام و کشورمان، بر خود افتخار می داند که همواره در کنار مردم باشد و به عمران و آبادانی کشور کمک نماید. این رسالت مهم بانک ملی ایران که یاری رسان نقاط محروم کشور باشد. بانک ملی ایران از دیرباز به استان اردبیل و در پروژه های مهمی همچون کشت و صنعت پارس، مجتمع کشتارگاه صنعتی اردبیل سرمایه گذاری کرده و در طرح ها و پروژه های پر شمار و بسیار مهم تولیدی و اشتغالزایی در شهرک های صنعتی استان مشارکت فعال و مؤثری داشته و سهم زیادی را بر خود اختصاص داده است.

اما در این بین، بدون تردید ارتباطات، چه از نوع ریلی، هوایی و جاده ای شاه کلید توسعه هر استانی می باشد.

بسیار مفتخرم اعلام نمایم که هیئت مدیره بانک ملی ایران مصوبه ای در خصوص راه آهن اردبیل به مبلغ هفت هزار و پانصد میلیارد ریال صادر کرده تا در کنار بودجه دولتی و در مدت سه سال، این پروژه مهم که قطعاً برای توسعه استان و آینده مردم این منطقه اهمیت بسزایی دارد به بهره برداری برسد.

مسئلاً با تزریق مبالغ مذکور و اجرای موفق پروژه، شاهد اشتغالزایی فراوان، موفق اقتصادی و توسعه استان تاریخی اردبیل خواهیم بود.

حضار محترم!
در اینجا مایلیم یک نکته مهم را که حاصل چندین سال تجربه مدیریتی ام می باشد را به حضوران عرض کنم:

مطالعات زیادی در خصوص استانهای پیشرفته کشور و دلایل و چگونگی آن داشته ام. حاصل آن مطالعات و بررسیها را میتوانم در یک جمله برایتان خلاصه کنم:

مردمان استان های پیشرفته و توسعه یافته کشور، با وجود داشتن انواع اختلافات چه از نوع سیاسی، جناحی، گروهی و غیره، در خصوص منافع استان شان همه اتفاق نظر دارند و با هم هستند. اختلافاتشان را کنار می گذارند، به همدیگر کمک می کنند و از همدیگر حمایت می نمایند. بلند فکر می کنند و بلند رشد می کنند. بنابراین اگر می خواهیم استان اردبیل یکی از پیشرفته ترین استانهای کشور باشد هیچ راهی جز این نیست که همه با هم باشند. از مدیران، کارکنان، کارگران گرفته تا اصناف و اقشار، بسیج، سپاه، انتظامات، دستگاههای نظارتی و امنیتی و قضایی و همه و همه در خصوص منافع مردم و مسائل استان در کنار هم باشند و از همدیگر حمایت کنند. در این صورت شاهد استانی نمونه خواهیم بود ان شاء الله.

در پایان مایلیم از لطف و محبتی که نسبت به این برادران داشتهاید سپاسگزاری نمایم و به عرضتان برسانم هر کجا که باشم بیمت، خدمتگزار مردم خصوصاً هم استانیهای فهیم و دوست داشتنی ام خواهیم بود. از اینکه سعادت یار نشد تا در جمع صمیمی و گرم شما حضور پیدا کنم، عذر می خواهم.

خدایا جهان پادشاهی تورا ست

ز ما خدمت آید، خدایی تورا ست

دیگران است. نیاز به همبستگی در علوم رفتاری عبارت است از خواست و آرزوی استقرار روابط دوستانه با دیگران.

با این مقدمه می توان بیشتر و بهتر به ماهیت وجودی همگرایی هم استانی های اردبیلی در محیط پایتخت، ارزش و اعتبار بخشید. چه از حیث جستجوی هویتی و چه از حیث همبستگی اجتماعی.

بدون تردید نیازهای هویت طلبی و ارتباطات انسانی یک اردبیلی در کنار هم استانی خود بیشتر جامعه عمل به خود می پوشد تا اشخاص دیگر. و همگرایی اجتماعی موجود، موجب تزاید پتانسیل ها و انرژی های نهفته و گسترش ضرب نفوذ اجتماعی می گردد.

انتخاب یک روز از شورای فرهنگ عمومی کشور بعنوان روز استان اردبیل در طول چند سال گذشته، آثار و برکات خوبی در پی داشته و بعنوان فتح بایی در این خصوص توانسته عامل و محرک همبستگی اجتماعی و ارتباطات بیشتر اهالی استان در مرکز برای برگزاری هرچه بهتر جشن این روز باشد.

امید است با همگرایی های بیشتر اعضا و ارتباطات نزدیک تر در آینده نه چندان دور، گام های مؤثری در جهت ارتقاء و بهبود شاخص های استان در حوزه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و در یک کلام توسعه پایدار استان برداشته شود.



گزارش تصویری خانه اردبیل



● هیات های عزاداری اردبیلی. میدان امام حسین تهران



● مراسم روز ملی اردبیل ۱۳۹۶ تالار ایوان شمس



● گردهمایی هیات های عزاداری اردبیل. میدان امام حسین تهران



● مراسم بزرگداشت زنده یاد سلیم موذن زاده اردبیلی



● مراسم ترحیم و بزرگداشت آیت الله موسوی اردبیلی با مشارکت خانه استان



● مراسم روز ملی اردبیل. تالار ایوان شمس

گزارش تاسیس و فعالیت های خانه استان اردبیل

خانه ای برای انس و الفت



ابراهیم نیکنام

خداوند متعال را شاکریم که برای ششمین سال پیاپی روز ملی اردبیل را گرامی می داریم.قبل از هر چیز، اجازه می خواهم اعضای محترم مؤسس خانه اردبیل را

خدمت شما عزیزان معرفی کنم:

۱- حضرت حجه الاسلام و المسلمین جدی ۲- حاج اسماعیل علی اکبری (که هم اکنون به حج مشرف شده اند)، ۳- حاج جواد صبور ۴- حاج عباد الله فتح اللهی ۵- حاج مجتبی خلیل زاده مروج ۶- میر نبی عزیز زاده ۷- مسعود خلیلی ۸- صائب رفتاری ۹- ابراهیم نیکنام

در ابتدا اجازه بدهید توضیحات مختصری درمورد سازمان های مردم نهاد خدمت شما ارائه کنم.

سازمان های مردم نهاد و نقش آنها در همگرایی جامعه سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن یا NGO) در کلی‌ترین معنای خود، به سازمانی اشاره می‌کند که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود اما نقش بسیار مهمی به‌عنوان واسطه بین فرد فرد مردم و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا می‌کند. سازمان‌های مردم‌نهاد، اساساً با تأکید بر ۳ اصل داوطلبانه، غیرانتفاعی و غیرسیاسی تشکیل و تأسیس می‌شوند.

تشکل‌های غیردولتی برای ادامه فعالیت خود نیازمند ویژگی‌هایی هستند که ضامن بقا و موفقیت آنهاست که می‌توان به رئوس آن اشاره کرد:

خودجوشی و نیاز طبیعی، اهداف مشترک اعضا، قانونمندی، برنامه و فعالیت مدون، مشارکت و جلب مشارکت (عضوپذیری)، استقلال.

سازمان های مردم نهاد (سمن)، نظام پنهان ارتقای سلامت جامعه هستند. این سازمان های داوطلب، مستقل از دولت بوده و در عین غیرانتفاعی بودن، در خدمت مردم هستند و به همین دلیل، صدای مردم نامیده می شوند. سمن ها، نماد و واسط مشارکت مردم هستند و مشارکت مردم نیز یکی از بازوهای اصلی ارتقای سلامت، کاهش فقر و بی عدالتی در سلامت جوامع است.

مشارکت خیران و سازمانهای مردم نهاد به ویژه در حوزه های تصمیم سازی، عملیاتی و همچنین نظارت نقش مؤثری در افزایش سلامت جامعه در تمامی ابعاد خواهد داشت.

صندوق ضمانت سرمایه گذاری صنایع کوچک،

گره‌گشای اعتبارات وثیقه محور



نشده و صندوق مستقیماً امور مربوط به اعتبار سنجی را انجام داده و ضمانتنامه را صادر میکند.

صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک، زیر نظر وزارت صنت، معدن و تجارت در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و اولین ضمانتنامه خود را اواخر سال ۸۶ صادر کرده است. بنابراین صندوق عمر ۱۴ ساله دارد و بیش از ده سال از فعالیت آن میگذرد.

هدف از ایجاد صندوق، فراهم آوردن موجبات توسعه سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در صنایع کوچک و کوتاه کردن مدتزمان اجرای طرحهای اشتغالزا و دارای توجیه اقتصادی با اولویت مناطق محروم است که برای اجرای این اهداف صندوق ضمانتنامه صادر میکند.

خدمات این صندوق :

صدور ضمانتنامه در صندوق به دو گروه تقسیمبندی میشود. گروه اول ضمانتنامه‌های اعتباری هستند. این ضمانتنامه‌ها کارکرد وثیقه‌ای دارند و به‌عنوان اولین، قدیمیترین و سنتیترین ضمانتنامه‌های است که تقریباً همه صندوقهای ضمانت در دنیا صادر میکنند. این نوع ضمانتنامه فرایند اعطای تسهیلات را تسهیل میکند و جایگزین وثیقه مشتری نزد بانک میشود و به‌واسطه آن اعطای تسهیلات بهراحتی انجام میگردد. در صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک صرفاً همین نوع ضمانتنامه از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۴ صادرشده است.

نوع دوم ضمانتنامه اعتباری که از سال ۱۳۹۴ در دستور کار قرار گرفت، ضمانتنامه اعتبار خرید کالا است. این ضمانتنامه بدون نیاز بهنظام بانکی یک قرارداد نسبه بین تولیدکننده مواد اولیه و واحد صنعتی کوچک را تحت تضمین خود قرار میدهد. بنابراین اگر در سررسید قرارداد، به تعهدات فیما بین دو واحد عمل نشود ذینفع ضمانتنامه با مراجعه به صندوق، خسارات یا مبلغ ضمانتنامه را از صندوق اخذ مینماید.

ضمانتنامه‌های گروه دوم ضمانتنامه‌های پیمانکاری برای انجام قراردادها است. همانطور که مستحضرید برای انجام برخی قراردادها نیاز به صدور ضمانتنامه وجود دارد. زیرا قرارداد انجام برخی امور بر اساس یک مقطع زمانی تنظیم میشود، برای مثال واحدهای صنعتی برای شروع کار نیاز به شرکت در مزایده یا مناقصه‌ای دارند تا پس از برنده شدن به قرارداد موردنظر ورود پیدا کنند. با توجه به اینکه شرکت در قرارداد نیازمند برنده شدن در یک مناقصه است درصورتیکه واحد صنعتی مناقصه را برنده شود، اصولاً باید پیشپرداختی را به پیمانکار بپردازند که برای پرداخت پیشپرداخت نیز کارفرما نیاز به ضمانتنامه پیشپرداخت دارد و در مرحله سوم نیز با توجه به نوع قرارداد که پیمانکاری است، کارفرما ممکن است به دلیل پوشش دادن برخی ریسکها در انجام صحیح امور نیاز به ضمانتنامه حسن انجام کار داشته باشد که تضمینی باشد که امور مطابق با قرارداد اولیه پیش رفته است.

در سال ۱۳۹۴ بر اساس مطالعاتی که صندوق انجام داد، ملاحظه شد که بخش عمده‌ای از مشکلات واحدهای صنعتی کوچک که در این نوع ارتباط بخاوند فعالیت کنند، گرفتن این نوع ضمانتنامه از نظام بانکی است. به این دلیل که واحدهای صنعتی به‌واسطه تجربه‌ها و رکودی که در آن سالها وجود داشت، چک برگشتی یا بدهیهای معوق داشتند و یکی از اصول اساسی نظام بانکی این است که فردی که از ضمانت اینچنینی نظام بانکی بخواهد استفاده کند، نباید بدهی یا چک برگشتی داشته باشد.

بنابراین بانکها طبق مقررات قادر به صدور ضمانتنامه نبودند و از طرفی به دلیل مشکلات و واقعیتهای اقتصادی واحدهای صنعتی، روال قراردادها عملاً متوقف و طبیعتاً این کار به سمت بنگاههای بزرگتر سوق پیدا میکرد.

بر همین اساس نیاز به طراحی این نوع ضمانتنامه‌ها در سال ۹۴ احساس شد و به دلیل عدم الزام صندوق از تبعیت قوانین پولی و مالی، توجه خاص و ویژه‌ای به بحث چک برگشتی یا بدهی معوق در این بخش نشده و استقبال خوبی از این نوع ضمانتنامه صورت گرفته است.

تعامل و انعقاد تفاهمنامه همکاری با تمامی بانکهای دولتی و خصوصی نیز به‌عنوان یکی از ویژگیهای منحصربه‌فرد صندوق به‌حساب میآید.

بنابراین میتوان گفت با انعقاد ۱۸ یادداشت تفاهمنامه، تعداد بانکهای عامل مشتریان صندوق به گستردگی و تنوع بانکهای موجود در کشور است که اکثر آنها طی دو سال گذشته منعقدشده و نشاندهنده نقش حمایتی بانکها نیز در این خصوص است.

متاسفانه استان اردبیل در بین سایر استانهای کشور در معرفی واحدها و اخذ ضمانتنامه در رتبه آخر قرار دارد و کلا در سال ۹۵ فقط ۳ برگ ضمانتنامه صادر شده است و این در حالیست که در بعضی استانها این عدد به ۲۱ و ۳۸ نیز میرسد

من امیدوارم با شناسایی مدیران تاثیر گذار اردبیلی مقیم تهران در سازمانها و شرکتها و وزارتخانه ها و با یک برنامه ریزی دقیق و تعامل پایدار و هماهنگی بیشتر تکالیفی رو تعریف کنیم و هر کس از ظرفیتها و پتانسیلهای موجود در ان نهاد به نفع منطقه استفاده نماید. .

دکتر محبوب پناهی

عضو هیات مدیره صندوق ضمانت سرمایه گذاری صنایع کوچک ایران

صندوقهای ضمانت به‌عنوان رابط بین این صنایع و بانکها برای تأمین اعتبارات وثیقه محور ایفای نقش میکنند. چراکه اصولاً بانکها به دلیل پوشش ریسکهای موجود به سمتوسوی وثایق مطمئن رفته و مؤسسات کوچک قادر به تأمین وثایق مطمئنه باکیفیت و کمیت مدنظر بانکها نیستند.

(اس ام ای)ها با بکار گرفتن بیش از ۵۰درصد نیروی کار تشکیل میدهند. بیش از ۹۰ درصد از بنگاههای اقتصادی جهان را

این بنگاهها معمولاً بر اساس چند شاخص اصلی ازجمله تعداد شاغلین، مجموع داراییهای خالص، میزان سطح فروش و نهایتاً میزان سرمایه‌گذاری، قابل ارزیابی و شناسایی هستند. در نظر داشته باشید که مهمترین این شاخصها برای تعریف اندازه این بنگاهها تعداد کارکنانشان است. برای مثال در کشور آلمان و امریکا تعداد کارمند برای صنایع کوچک و متوسط کمتر از ۵۰۰ نفر در نظر گرفتهشده است.

این در حالی است که در ایران این تعداد کمتر از ۵۰ نفر برای صنایع کوچک در نظر گرفتهشده است که البته این موضوع با دو اشکال عمده نیز مواجه است: اول اینکه با توجه به تغییر نگرشها در فضای کسبوکار نمیتوان مبنای صنایع کوچک را فقط در موضوع اشتغال خلاصه کرد و باید شاخصهای دیگر ازجمله سرمایه اولیه، سرمایه در گردش و دیگر موارد را نیز مدنظر قرارداد.

مشکل دوم نیز در تعریف صنایع کوچک در ایران این است که این تعریف توسط مجلس صورت گرفته و با توجه به روال زمانبر تغییر قانون در مجلس بهتر است اختیار تعریف به یک بخش تخصصی داده شود تا بتواند در مواقع نیاز و مطابق با شرایط بازار این تعریف را مورد بازبینی قرار دهد.

گفتنی است در ایران صنایع کوچک و متوسط، به‌طور تقریبی ۹۲ درصد سهم صنایع را با بیش از ۸۰ هزار واحد صنعتی و ایجاد شغل برای صدها هزار نفر، به خود اختصاص داده است.

بر این اساس، با توجه به پیچیدگیهای روابط موجود بین بانکها و شرکتهای کوچک و متوسط و همچنین نیاز مبرم این شرکتها به تسهیل امور دستیابی به منابع مالی، سرمایه در گردش و...، صندوق ضمانت صنایع کوچک در کشور نقش مهم و اساسی را ایفا میکند.

مشکلات تأمین منابع مالی، سطح پایین فناوری، بازار محدود محصولات و عدم دسترسی به بازارهای بزرگ و بینالمللی، عملکرد ضعیف در بخش تحقیق و توسعه، برندینگ، بازاریابی و... همگی از مجموعه مسائلی است که بنگاههای اقتصادی کوچک و متوسط با آن دستوپنجه نرم میکنند طبیعتاً هر دستگاهی به‌عنوان متولی رفع بخشی از این مشکلات محسوب میشود.

صندوقهای ضمانت و سرمایه‌گذاری صنایع کوچک و متوسط در دنیا به جهت رفع مشکلات مالی این بخش به‌عنوان یکی از مهمترین و اساسیترین معضلات آنها تشکیل و باهدف تأمین مالی این صنایع فعالیت میکنند.

بر همین اساس، صندوقهای ضمانت به‌عنوان رابط بین این صنایع و بانکها برای تأمین اعتبارات وثیقه محور ایفای نقش میکنند. چراکه اصولاً بانکها به دلیل پوشش ریسکهای موجود به سمتوسوی وثایق مطمئن رفته و مؤسسات کوچک قادر به تأمین وثایق مطمئنه باکیفیت و کمیت مدنظر بانکها نیستند. بالا بودن نرخ عدم بازپرداخت تسهیلات توسط صنایع کوچک و متوسط و نامتقارن بودن اطلاعات آنها و همچنین روشهای اعتبارسنجی که از مشتریان صورت میگردد از دیگر موضوعاتی است که باعث بروز رفتارهای دفی از بانکها شده و نیاز به ایجاد این صندوقها را دوچندان میکند.

همچنین تجربه قبل از ایجاد صندوقها در دنیا نشان میدهد بیشتر اوقات هنگامیکه صحبت از حمایت میشود، فرض بر این است که تسهیلات ارزاقیمت به نسبت سایر فعالان در دیگر بخشها، در اختیار بخش خصوصی قرار بگیرد. این تسهیلات بروز برخی مشکلات را برای خودواحد و همچنین برای کل سیستم اقتصادی موجب میشود. به‌بهارتدیگر، با پایین نگهداشتن مصنوعی نرخ بهره سرمایه‌گذاری برای بنگاهها، سرمایه‌گذاران مبنای طرح توجیهی خود را برای سرمایه‌گذاری در این بخشبر پایه نرخ بهره‌ای میگذارند که به شکل مصنوعی پایین نگهداشته شده است و در اصل سیگنال اشتباه به واحد صنعتی داده میشود.

بنابراین ممکن است در آینده این حمایت از روی این بنگاه برداشته شود و طرح توجیهی سرمایهگذار به اهداف مشخصشده در طرح نرسد و نهایتاً بنگاه را با مشکلات بسیار زیادی مواجه نماید.

دیگر اینکه با اختصاص تسهیلات ارزاقیمت، بنگاهها اصولاً متمایل به بدهکار ماندن میمانند. چراکه در صورت بازپرداخت این تسهیلات و برای دریافت تسهیلات جدید باید نرخ سود بالاتری بپردازند و بر همین اساس متمایل به بدهکار ماندن در این مؤسسات پررنگ میشود که در طولانیمدت به نفع آنها نیست.

خاتمه:

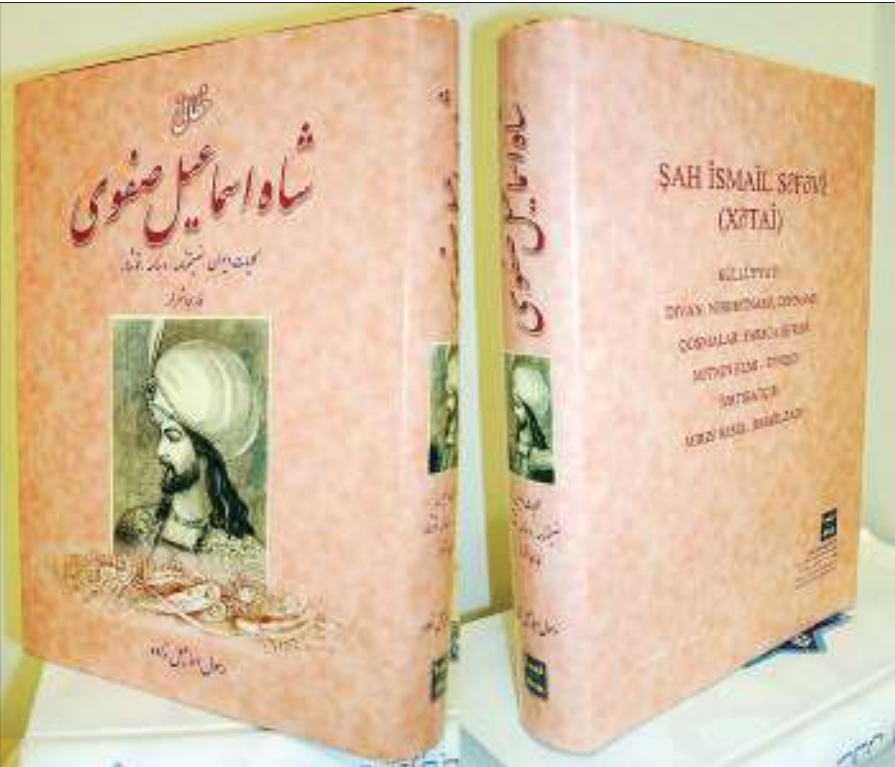
از همه هم استانی های عزیز درخواست می کنیم که برای عضویت در خانه استان اردبیل با مراجعه به نشانی **www.khanehardabil.ir** یا به نشانی پست الکترونیکی **khanehardabil@yahoo.com** نسبت به ثبت نام خود اقدام نمایند.

یاد و خاطره شهید محسن صدیقی بلداشی بنیانگذار جاده گرمی به اردبیل که در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۴۰ به درجه رفیع شهادت نایل آمد را گرامی می داریم.

آن شاه‌الله سومین تجمع بزرگ عزاداران و هیئت های حسینی استان اردبیل مقیم در تهران در آخرین جمعه دهه ماه محرم الحرام را شاهد خواهیم بود.

آیا شاه اسماعیل شاعر هم بوده است؟

شاه شاعر



داوددشتبانی

این نوشتار در کمال احترام و ادب تعریضی بر یکی از آثار قدیمی استادفیروز منصوری باعنوان " رازهایی دردل تاریخ، شاه اسمعیل شاعر نبوده و دیوانی هم نداشته است" دارد و نشان می دهد که برخلاف قضاوت استادمنصوری این دیوان می تواند منتسب به شاه اسماعیل باشد و دست کم برای رد این انتساب بایستی بتوان استناداتمتقن وقابل اتکابی ارائه نمود چرا که متن دیوان نشان دهنده صحت این انتساب است و در جای جای آن می توان علایق مذهبی و ملی شاه اسماعیل رامشاهده کرد.

شخصیت ادبی شاه اسماعیل

تحفه سامی اثر سام میرزا فرزند شاه اسماعیل که در سال ۹۵۹ نوشته شده است اولین اثری است که به شخصیت ادبی اسماعیل اشاره می کند. وی می نویسد: ایراد اسم همایون ایشان در اینجانبانبر آن است که باوجوداین عظمت و اعتلا و اشتغال بامور دین و دنیا گاهی بنابر تشحیذ خاطر دریا مفاظر متوجه طبع آزمایی می گشته‌اند و درّی از لجه بیگران بساحل ظهور می رساندند. لِه‌ذا این شاه بیت که از نتایج طبع سحر آفرین ملازمان آن استان ملک پاسبانست و بحکم کلامالملوک و ملوک کلامدر گالتاج خواص و عوام بنابر تیمن و تبرک در رشته تحریر کشید. بیستون ناله زارم چوشنیداز جاشد کرد فریاد که فرهاد دگر پیداشد

تخلص همایون ایشان در ترکی و فارسی خطایی است و مولانا امیدی در قصیده‌ای که در باب جنگ ایشان و حضر

سلیم پادشاه گفته در مطلع ایمایی بدین معنی کرد:

«فقدار کار که کبریائی

کشیدمنتقش اسلیمی خطایی»

دومین منبع تذکره روضه‌السلاطین نوشته فخری هروی است که تاریخ تألیف آن را در سال‌های ۹۶۲–۹۵۸ ذکر کرده‌اند.هروی می‌نویسد: در نظم ترکی وفارسی طبع خوب داشت و دیوان اشعارش مشهور است. این مطلع ترکی آن حضرت است که خوب واقع شده:

ای جمالین ایّتی عنوان قدیم

قاشلارین طغرای بسیم‌الله رحیم

این مخمس که غزل خواجه حافظ را درآه‌دکنده بغایت شاعرانه گفته‌است.»

مؤلف جهانگشای خاقان نیز می نویسد: «آن حضرت.. شعر را بسیار خوب می گفت. از اشعار ترکی و فارسی دیوانها دارد واین شاه بیت از نتایج طبع و قاد آن حضرت است.

بیستون ناله‌زارم چوشنیداز جاشد

کرد فریاد که فرهاد دگر پیداشد

دلایل منصورى بر دو پایه استوار است و تلاش او بر این است تا با استفاده از ادله و براهینی که ارائه می دهد برای اثبات این دو مدعا استفاده کند:

۱– کلیه کتب و منابعی که دیوان اشعار خطایی را به شاه اسماعیل نسبت داده‌اند و علی‌الخصوص قدیمیترین آن‌ها یعنی تحفه‌سلمی و «به‌ویژه روضه‌السلاطین که قدیم‌ترین نسخه موجود در دانشگاه استنبول بتاريخ ۱۰۳۸ هجری

استنساخ شده» مخدوش است و این مورد «بعداً به آن اضافه‌والحاق گردیده» این کار نیز «توسط عثمانی‌ها و برای استفاده‌های تبلیغاتی و سیاسی صورت گرفته‌است.»
۲– «دیوان خطایی یک مجموعه تبلیغاتی تعالیم بکتاشی است» و «به‌هیچ وجه نمی‌تواند سروده شاه اسماعیل باشد».
پاسخ به این که آیا این دو شبه نزدیک به واقع است یا نه نیازمند آن است که به مضمون دیوان پرداخته شود و نسخ موجود نیز مطابقت و بررسی گردد.

آیا شاه اسماعیل شاعر بوده و دیوانی داشته است؟

پیشتر به برخی از کسانی که پیرامون اشعار منتسب به شاه اسماعیل صفوی اظهار نظر کرده‌اند و منابع دست اولی که شاه اسماعیل را شاعر دانسته‌اند اشاره شده در میان این افراد بنا بر روایت فیروز منصوری در کتاب رازهایی در دل تاریخ محققین و پژوهشگرانی در ترکیه نظیر محمد فواد کوپرولو‌زاده و عبدالباقی گلینیارلی و پرتونالی بوراتاو شاعر

بودن شاه اسماعیل را زیر سؤال برده‌اند اما از دلایل و براهین آنان سخنی به میان نیامده بنابراین تنها منبع در دسترسى که چنین ایرادی وارد می کند همان کتاب رازهایی در دل تاریخ اثر فیروز منصوری است بر همین اساس در ادامه به نقد و بررسی دلایل وی برای این مدعا می پردازیم.

ایشان چندین بار به این مورد که چرا اسم میرزا تنها یک بیت از دیوان اشعار پدرش نقل کرده است ایراد می گیرد اما برای رد گزارش روضه‌السلاطین غیر از آن که قدیمی‌ترین نسخه آن در کتابخانه استنبول بوده است دلیلی ارائه نمی دهند.

در ادامه سؤالاتی مطرح می کنند. از مضمون برخی از این سؤالات برمی آید که این پرسش‌ها را در مقابل کسانی ارائه می دهند که مدعی ترویج زبان ترکی توسط شاه اسماعیل در تقابل با زبان فارسی هستند. این نکته شایان توجه است که مسائل مطرح‌وه در رابطه با گرایش‌های قوم گراییه در صد ساله اخیر، قابل تسری و تعمیم به دوره‌های پیش از تاریخ معاصر نیست و باید از تعصب های این چنینی در تحقیقات تاریخی پرهیز نمود برای نمونه ایشان می نویسند: «در صورتی که همه می‌دانیم شاه اسماعیل علاقه خاصی به شاهنامه داشت... حال آن که چنین علاقه‌ای(که قابل نفی نیز نیست چرا که نام فرزندان شاه اسماعیل خود گویای این علاقه است- سام، رستم، طهماسب و بهرام نام پسران شاه اسماعیل است) نمی‌تواند نافی سرون اشعار ترکی توسط وی گردد. تلاش هایی که برای رودرو قرار دادن فردوسی و ترک های ایران توسط برخی گرایش های انحرافی قوم گرایانه در تاریخ معاصر صورت گرفته سابقه‌ای تاریخی ندارد و حداقل آن است که شاه اسماعیل براساس اشعاری که از او باقی مانده و نام پسران و دستور تاریخی وی برای تدوین شاهنامه که توسط پسرش ادامه یافت ونقیس ترین شاهنامه ایران را که به شاهنامه تهماسبی نیز معروف است شکل داده چنین دوری نداشته است.

ایشان در پرسش دیگری مطرح می کنند که در دیوان خطایی چه مقدار از تصوف اسلامی و عرفان ایران یا از سرگذشت آباء و اجداد شاه اسماعیل بحث شده و نسبت به ختلافه صفویه و تعالیم درویشان و طریقت آنان تبلیغ شده است.ایشان در جای دیگری [۶] می‌نویسد: خواننده کنجکاو به وضوح درمی‌یابد که این کتاب را یک نفر غیر ایرانی نوشته است زیرا در هیچ جای دیوان از ایران و اعلام جغرافیایی و تاریخی این کشور نام نمی‌برد.

در این جابرجی از موارد نقض این ابهامات جهت نشان دادن

میزان ایرانی بودن شاعر این دیوان گزارش می‌شود. بدیهی است این موارد می‌توانست بیشتر باشد اما چون تنها نشان دادن خلاف این ادعا مراد بوده است به آوردن نمونه‌های بسنده شده است.

شاهنامه‌وشخصیت‌های اسطوره‌ای:

شاه اسماعیل علاقه وافری به شاهنامه فردوسی داشته است این علاقه به حدی عمیق بوده است که او از پنج پسر خود، نام چهار نفر آنان را تهماسب، رستم، بهرام و سام که از قهرمانان شاهنامه هستند گذاشت.وی زمانی که تصمیم گرفت تا هدیه‌ای به تهماسب فرزند خود بدهد فرمان داد بزرگان هنر نقاشی مینیاتور و خطاطی که در دربار او جمع بودند نسخه مصوری از شاهنامه فردوسی تهیه کند این تصمیم شاه اسماعیل نشانه کمال علاقه و اعتقاد او به شاهنامه فردوسی است. در اشعاری نیز که در دیوان خطایی آمده است می‌توان نشانه‌های این علاقه و اعتقاد را دید.

در غزلی با مطلع:

عاشقا گل – گل برو کیم جان جانان منده دور
زاهدان خنده سن نور ایله ایمان منده دور
پهلوانلار دنیادا چوخ «رستم زالم» دندی
حکمت اسکندر و ملک سلیمان منده دور
در غزل دیگری می گوید:

جام جمشید و جم ون دورانی ختم اولدی تمام
دور جام ایندی اونوندور کیم، شه دوران دیر
بودور آئینه‌ی اسکندر گیتی نما،
موندا روشن دور جهاندا هر نه کیم پنهان دور

در مثنوی با مطلع:

بنام خداوندحسی و کریم

کریم اولور تونابذات قدیم

می گوید: کیمیمنی به هیبت چورستم ائدن

یلمی گوید:

من اولام کیم اوغرانلار اسباب

باشینا اوروب گورزی دنک ائیلرم

نومولسن غنیم اولور نینم اولور قریلسیلب

اونولنلن اوروشماغنت گئیلمرم

دریغاکور اولسایدی رستم دیری

گورمیدیی اونوندن اوینیره کاری

دریغاکور اولسایفندیبار

نه تختین قویدیم، نه ملک و دیار

درغیگورسون اولساققراسیلب

قیلیج ایلسون نینم اولور نینم اولور

دریغا گر اولسا بو دوراندا کیو،

گورو نیندم اونا چو بیر نره دوه

دریغا بو دم اولسا سهراب یل

داخی اورمیایدی قیلیج ایله ال

در امه‌از خدایمی خواهد که به او نیروی بدهد که بر دشمنان پیروز شود،شمشیرش را برای دشمنان تیز و برنده کند و اگر از مقابل دشمن فرار کرد عمر او را بگیرد و می گوید:

غنیم، ایله منم اونوزمین اری

کی، رستم تک اولا اونون هر بیری

منمییلمری وئرگیل سن ای شهریار!

کی، گوررستم اولساقیلام تارومار

به حق رسول و به حق کلام

به حق علی و به حق محلم

اشاره به ایران و شهرها:

در بخشی از نامه هشتم ده نامه معشوق خواسته‌های خود از عاشق را خطاب به لشک عاشق می گوید:

چون حسن اللهیم شه خراسان،

هم خسرو ملک تخت ایران

ملکومده گره کدیر آب جیحون،

سیر خببت پلین تر پاسخ می ده:

علی دور اولیالر سری ایچره

علی است سر پنهان اولیاالله

در این مطلع غزل به صراحت پاسخ آقای منصورى را می دهد:

منوم شاهوم علی مرضى دور

مرحبای دلبر شیراز و شوخ ملک چین،

شویلدی، هر کیم سنی گوردو کنده، الله اکبری

در جای دیگر می گوید:

مگر مشاطله زلفون و شانه قیلمش،

بوگول ننگهت ریحان اونوندور

ختا و چین ایلم مصر و خراسان

عراق و فارس هم کرمان اوندور

در مطلع یکی از غزلیات می پرسد:

غموندن گوزلوروم عمن دگولمی؟

پدران شاه اسماعیل:

خطایی بومقام اوز که مقمقدیر،
مقامین مهری اوایکی املمدری،

شیخ صفی نین بویروغونما تاممدری،

زیرا جان آرزوسو، دیدار محبت

یادر غزل دیگری که پیشتر آمد می گوید:

آدم شاه اسمعیل، حقون سیریم

بووجهملغان یلرون سروریم

اولو پلام صفی، آتام دور حیدر

شجاعت‌اهلی یم حق جعفری یم

یامی گوید:

هر کیم شیخ صفی نین امرینی توتماز

یوروروبوبولدامنز یله چاتماز

یادر جای دیگری توحید را الرمان شیخ صفی می داند:

یقین اخلاص ایله چانمیر گمانسینز

شیخ صفی نین ار مغانبیدر توحیدل یادر مضمون مشابهی

توحیدرا مقدمه اعتقاد به دوزاده امام می داند:

پیریم شیخ صفی دن سرمایه میزدیر

اون یکی امامین ار کتیدیر توحید

در غزل دیگری که مضمون رجز گونه دارد و به توصیف غازیان راه حق می پردازد. قزل باش را نیز خصوصیات این غازیان می آورد که مختص مریدان طریقت صفوی است مطلع غزل این است:

اوسلطان کرم صاحب هنر دور،

ولایت دور یقین، نور بصر دور

قوشانسه غازیلر سیف و سلاخی

منافق جانینه خوف و خطر دور

در اشاره به قزل باش‌ها می گوید:

قیزیل علم، قیزیل بیریق، قیزیل تاج،

گئیسنه غازیلر، اول گون حذر دور

این موارد به خوبی نشان می دهد که شاعر این اشعار نه تنها ایرانی بوده و به نمادهای فرهنگ ایرانی (شعرا، قهرمانان اسطوره‌ای، شهرها وسایر اعلام جغرافیایی و تاریخی) آشنایی داشته است به آنها عشق نیز می‌ورزیده است این شاعر علاوه بر این‌ها متعلق به طریقت صفوی بوده و اسلمی شیوخ صفوی وسایر نمادهای طریقت صفوی نیز در اشعارش دیده می‌شود

در اشعار دیگر اشاره به عشق شیرین و فرهاد، خسرو و شیرین، قصه دارا و اسکندر، به دار کشیده شدن منصور حلاج، داستان شیخ صغان و موارد متعدد دیگری دیده می‌شود و آن چه که مهم است عدم حتی یک اشاره به اعلام و نمادهای فرهنگی است که خارج از حوزه فرهنگی تمدنی ایرانی باشد، اشاره‌های مکرر به قهرمانان شاهنامه نیز از سوی شاعر می‌تواند دلیل دیگری بر این باشد که شاه اسماعیل شاعر این اشعار است زیرا از علاقه شاه اسماعیل به شاهنامه اطلاع داریم

آقای منصورى در ادامه به تشریح تعالیم طریقت بکتاشیه می پردازد و از ارادت بکتاشیه به حضرت علی را بیان می‌دارد تا بتواند پاسخ کسانی را بدهد که یکی از علل انتساب دیوان خطایی به شاه اسماعیل را وجود اشعاری در مدح حضرت علی (ع) می‌دانند در پاسخ به این ایراد و تمایز اشعار شاعر خطایی با اشعار بکتاشیه به چند مورد از مدح دوزاده امام شیعه‌ی می‌توان اشاره کرد

منصوری موارد متعددی از ایرات اینچنینی که بیش از آن که به دلایل علمی و متقن برای رد انتساب اشعار به شاه اسماعیل داشته باشد، به پهنه‌جویی و دلیل تراشی می‌ماند: خطایی خود را دربان معشوق دانسته و این امر در شأن شاه اسماعیل صفوی که «در زمان خودش بالاترین مقام انسانی را احراز کرده و قهرمانی بلند آوازه گشته است» نیست. در جای دیگر می گوید: «شاه اسماعیل بجای آنکه مدوح شود، مداح شده است. آنهم مداح چه کسی؟ کدام شاهی؟»

دنیا‌داهر کیم قیلوربیر پادشاهین خدمتین

بوخطایی بنده در صدقیله شاهین چاکری

در اشعار دیگر خطایی می‌توان یافت که این شاه کیست در غزلی با مطلع می گوید:

بو عالم حسونه حیران دگولمی؟

ایکی عالمده شاه، سلطان دگولمی؟

چندبیت پایین تر پاسخ می ده:

علی دور اولیالر سری ایچره

علی است سر پنهان اولیاالله

در این مطلع غزل به صراحت پاسخ آقای منصورى را می دهد:

منوم شاهوم علی مرضى دور

بوزوم دنیا و عقبی ده اونا دور

در پایان غزل دیگری خود را غلام آن شاه که همه شاهان در مقابل او قنبر هستند معرفی می‌کند:

بوگون اخلاص و صدقیله خطایی قول دور اول شاهه،

کی عالم پادشاه لاری اونوقالوقدقنبر دور

دکتر دنجب ـ صفا نیز معتقد است شاه اسماعیل آن را در کمال توانایی [۷] سروده است می‌توان گفت انتساب این دیوان به خراج از حوزه‌های فرهنگی ایران اشتباه و نادرست است.

در واقع می‌توان گفت دلیل قوی و مستدلی برای عدم پذیرش این دیوان به عنوان دیوان شاه اسماعیل وجود ندارد بلکه بر اساس استناد به منابع و قضاوت محققین برجسته این امر مسلح است تنها باید تحقیق جدی و منتقدانه‌ی به مضمون و منشا برخی از اشعار که در نسخ مختلف آمده است [۸] شود تا در میان این اشعار سره از ناسره باز شناخته شود و بتوان بااطمینان به تک تک این اشعار استناد نمود و از آنان جهت مطالعات صفویه شناسی استفاده کرد.

برون‌رفت از مشکلات کنونی با

«اتاق شیشه‌ای اقتصاد»

دکتر حسن حیدری

استاد اقتصاد دانشگاه ارومیه

دکتر حسن حیدری، استاد اقتصاد دانشگاه ارومیه، در جریان سخنرانی در نشست «اقتصاد ایران در بحران»

اقتصاد ایران در حال حاضر با مشکلات متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کند که علی‌الظاهر برای برون‌رفت از آنها به برنامه‌های کلان و بلندمدت ویژه‌ی اقتصادی نیاز است. با این حال برنامه‌های کوتاه‌مدت نیز نباید مغفول بمانند. باتوجه بهاینکه یکی از مهم‌ترین عواملی که اقتصاد ایران را دچار مشکلات کنونی نموده، بحث خروج آمریکا از برجام و فضای روانی حاصل از آن است که رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا علیه کشورمان ایجاد کرده است، بهاعتقاد نگارنده توجه بهداخل‌بهرترین سیاستی است که می‌بایست مورد توجه دولتمردان کشور قرار بگیرد. این مهم فقط با رویکرد اقتصادی صرف حاصل نمی‌شود، بلکه راهکارهایی را می‌طلبد که از منظر روانی نیز در جامعه اثر گذار باشد. بهعبارتی بهتر جامعه امروز ایران بیش و پیش از آنکه به تصمیمات اقتصادمحور نیاز داشته باشد، به تصمیماتی نیاز دارد که حاصل آن شفافیت بیشتر در حوزه اقتصاد باشد. مردم ایران همواره نشان داده‌اند که اگر با صداقت با آنها برخورد شود، نه‌تنها هر سختی و مشکلی را تحمل می‌کنند بلکه در راه بهبود آن از هر فداکاری‌ای دریغ نمی‌کنند. به‌باور نگارنده برای تلاوم سیاست ضد تورمی دولت در سال‌های گذشته، لازم نیست که دولت و بانک مرکزی برای حل مشکل نقدینگی، فوراً سیاست تعدیل نرخ سود بانکی را مطرح کند. شاید بهتر باشد ساز و کاری اتخاذ شود که مردم به‌راحتی و به سادگی بدانند پول آنها در بانک‌های کشور چگونوه و در چهرای و به چه شکلی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کارویژه اصلی اقدامات شفاف‌ساز- به‌ویژه در حوزه اقتصاد- اگرچه جلوگیری از فساد و در نتیجه بهبود فضای کسب‌وکار است، اما نمی‌توان و نباید از تاثیر مهم دیگری که این امر دارد به‌سادگی گذشت: «در جریان امور قرار گرفتن مردم و در نتیجه همراهی بیشتر آنها در مسیر حل مشکلات و از همه مهم‌تر بسته شدن راه سوءاستفاده جریاناتی که با استفاده از مشکلات اقتصادی، قصد ضربه زدن به نظام و کشور را دارند.»

به‌بیانی دیگر اگر دولت شرایطی را فراهم کند که مردم بی‌واسطه در جریان امور قرار بگیرند، از سویی سم‌پاشی جریان‌های مزبور از اثر می‌افتد و از سویی دیگر، اقدامات مثبت دولت نیز بیشتر به‌چشم می‌آید. به‌عنوان مثال با وجود افزایش شدید قیمت ارز در طی چند ماه اخیر، انصافاً –حداقل تا الآن- قیمت کالاهای اساسی کشور هم‌راستا با ارز افزایش پیدا نکرده است. این مهم را اگر دولت صرفاً با استفاده از تریبون‌های دولتی بگوید، شاید با توجه به اوضاع کلی اقتصاد، مردم آن را درنمایند، اما وقتی مردم خودشان بتوانند با استفاده از ابزارهای نظارتی خودشان، آن را مشاهده کنند، قطعاً هم آن را می‌پذیرند و هم بیشتر با دولت همراه می‌شوند.

در همین راستا و در روزهای اخیر یکی از اقداماتی که برای شفاف‌سازی در اقتصاد در دستور کار دولت قرار گرفت، اعلام میزان دریافتی ارز دولتی از سوی افراد و نهادهای اقتصادی بود. این تصمیم اگرچه خوب و لازم است اما از طرفی کافی نیست و از طرفی دیگر، چون یک‌سویه است، ممکن است باعث درگیری‌های کلامی بین طرفین شود. موردی که در همان آغاز عملیاتی شدن این طرح اتفاق افتاد و باعث بگویمگوهایی میان وزرا و مدیران دستگاه‌های دولتی شد. اتفاقی که با توجه به شرایط کنونی –که اقتصاد کشور نیاز به آرامش، ثبات و همدلی کارگزاران دارد- مشکلی به مشکلات کشور خواهد افزود.

راه حل نگارنده در اینجا پیگیری سیاست‌هایی است که در کم‌ترین زمان ممکن، اقتصاد کشور تماماً در یک «اتاق شیشه‌ای» قرار گیرد تا مردم به‌طور کامل در جریان امور قرار گیرند. پیشنهاد نگارنده این است که دولت با یک ضرب‌العجل سمه‌ماه، تمام نهادهای دولتی، نیمه‌دولتی و حتی بخش خصوصی‌ای که از سوی دولت به اشکال مختلف حمایت می‌شوند را موظف کند سازوکاری ترتیب دهند که کلیه دخل و خرج آنها توسط مردم قابل مشاهده و نظارت شود. به‌عنوان مثال یک خریدار خودروی داخلی بتواند به سادگی در تارنمای شرکت سازنده‌ی خودرو جست‌وجو کند و بدون واسطه، خودش مشاهده کند که چرا آن خودرو با قیمتی که خریداری کرده به فروش می‌رسد.

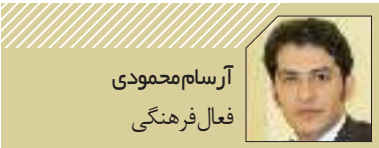
در واقع دولت در شرایط فعلی چاره‌ای ندارد جز اینکه شاخصه‌های «حکمرانی خوب» (Good Governance) به ویژه در مولفه‌های اقتصادی را مورد توجه جدی قرار دهد. یکی از شاخصه‌های حکمرانی خوب که در اقتصاد کشورها تاثیر بسزایی دارد، علاوه بر پاسخگویی و قانون‌گرایی، شاخصی به نام «شفافیت اقتصادی» (Economic Transparency) است. در این راستا دولت‌ها می‌بایست بستری را فراهم کنند که نظارت عمومی در برنامه‌های اقتصادی دولت به راحتی انجام گیرد.

کشورهایی که اجرای «شفافیت اقتصادی» را پیش‌روی سیاست‌های خود قرار می‌دهند، سازوکاری را فراهم می‌کنند که افراد و نهادهایی که تسهیلات -به‌ویژه در قالب بودجه‌ی عمومی- از دولت دریافت می‌کنند، اسناد و مدارک آنها به صورت شفاف در مراجع رسمی و عمومی مورد بررسی قرار بگیرند. از آنجایی که سازوکار مراجع رسمی، اغلب دولتی و در ذیل ساختار دولت قرار می‌گیرد، کشورهایی که می‌خواهند و رده‌های بالای هرم شفافیت اقتصادی غیر دولتی افزایش یابد. در اجرائی این مهم، بهترین اقدامی که تجربه‌ی بشری اثبات کرده که آسان‌ترین و مؤثرترین راهکار ممکن است، همانا قرار دادن نهاد دولت درون اتاقی شیشه‌ای است که توسط رسانه‌ها و عموم مردم به راحتی قابل مشاهده و بررسی باشد.

با توجه به شرایط فعلی کشور، به نظر می‌رسد در دستور کار قرار گرفتن «شفافیت اقتصادی» باید اولویت اصلی در برنامه‌های اقتصادی دولت باشد. خاصه آنکه بیش از ۷۰ درصد اقتصاد ایران، دولتی است و فقدان شفافیت کافی در این حوزه، سبب افزایش شکاف بین مردم و حاکمیت و به‌دنبال آن، کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود. مسأله‌ای که در درازمدت، «وحدت ملی» ایران که به عنوان عامل اصلی و تاریخی حفظ و ثبات کشور بوده است، با تهدید جدی روبرو خواهد شد.

در دفاع از سخنان محمدرضا شفیعی کدکنی

دشمن ما تازد اول بر زبان مشترک



سخنرانی دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی استاد و ادیب بزرگ عصر حاضر، در چند روز اخیر در باب یادآوری جایگاه زبان فارسی و سایر زبان‌های ایرانی به عنوان سرمایه‌هایی ملی به مثابه ریختن آب در خوابگاه مورچگان بود. وی در این سخنرانی به یکی از مهمترین خطرات تهدید کننده زبان فارسی، زبان ملی ایرانیان و زبان های محلی اشاره کرد. صحبت‌های این اندیشمند بزرگ برای وطنخواهان آذربایجانی که با تکیه بر سنت تاریخی و فرهنگی آذربایجان مدت‌هاست این خطرات را به مسئولین امر و زمامداران کشور گوشزد می‌کنند، دلگرم کننده بوده و بار دیگر حقایقت مباحث آنان را به اثبات رساند.

دکتر شفیعی کدکنی در بخشی از سخنان خود درباره جایگاه زبان ملی و زبان های محلی اینگونه گفت: «زبان های محلی پشتوانه ملی ما هستند و اگر ما زبان‌های محلی را حفظ نکنیم بخش بزرگی از فرهنگ مشترکمان را عملاً نمی‌فهمیم.» اما آنچه مایه نگرانیش بود، سخنانی است که هر از چندی از سوی برخی ناآگاهان و مغرضان یا متولیان غیرمسئول و ناشنا با سنت تاریخی و فرهنگی ایران، بر زبان رانده می‌شود. آن‌هایی که قصد دارند ناآگاهانه یا خائنه، زبان‌های محلی را از جایگاه سنتی شان خارج کرده و در مقابل زبان ملی ایرانیان قرار دهند. زبان فارسی بخشی از هویت ساکنین ایران سیاسی و ایران بزرگ فرهنگی است. آنچه دکتر شفیعی کدکنی را نگران کرده، این است که سرزوشتی که بر زبان فارسی در ایران فرهنگی (یا مناطق جدا شده از ایران در سده‌های اخیر چون قفقاز) و مناطقی آن‌سوتر چون هندوستان تحمیل شد، بر زبان فارسی در قلمرو ایران سیاسی نیز تحمیل شود. قدرت‌های رقیب ایران در منطقه با علم کردن زبان‌های محلی در برابر زبان فارسی، مردم مناطقی چون پاکستان، هندوستان، آسیای مرکزی و ... را در برابر فرهنگ و زبان خود، خلع سلاح کرده و در نهایت فرهنگ و زبان خود را در این مناطق غلبه دادند. برای مثال زبان فارسی سده‌ها در پاکستان به عنوان زبان ادبی و فرهنگی حضور داشت، اما با تقویت زبان اردو و بخشیدن جایگاهی تصنعی به آن، بخشی از هویت مردم پاکستان از میان رفت. هویتی که یکی از مؤلفه‌های مهم آن فرهنگ مدارا و همزیستی نشأت گرفته از فرهنگ و تمدن ایرانی است. حتی اگر بخواهیم خارج از بحث ایران بزرگ فرهنگی و لزوم دفاع از فرهنگ ایرانی به این موضوع نگاه کنیم، پرواضح است مردمی که با فردوسی، نظامی، حافظ، سعدی، مولانا، خیام و ... یا بطور کلی با فرهنگ ایرانی انس گرفته‌اند، به سختی در دام بنیادگرایی مذهبی و فرقه‌ای گرفتار خواهند شد. با تضعیف زبان فارسی در پاکستان و تأسیس مدارس مذهبی فرقه گرا با سرمایه‌گذاری عربستان، امروز پاکستان به جای پروریدن ادبایی چون ادیب پیشاوری و اقبال لاهوری، جولانگاه خشن‌ترین و مرتجعانه‌ترین گروه‌های بنیادگرای مذهبی است. اوضاع در قفقاز هم به همین منوال است. مردمانی که در مناطق مختلف قفقاز، سده‌ها در کنار یکدیگر و زیر پرچم فرهنگ ایرانی می‌زیستند، با عقب‌نشینی زبان فارسی از آن منطقه و کم‌رنگ شدن فرهنگ ایرانی، بر روی هم آتش کینه و نفرت گشودند. نفرتی که توسط رقبای تاریخی ایران در منطقه یعنی عثمانی (ترکیه) و روسیه به آنها تزریق شده بود. امروز حتی دولت چین با جایگزین کردن زبان اویغوری به جای فارسی که در بخش‌هایی از مناطقی در غرب چین هنوز زبان فرهنگ است، قصد دارد ارتباط مردم این مناطق را با دریای خروشایی که حامل تمدن ایرانی و بالاتر از آن پیوند دهنده ساکنین

دکتر شفیعی کدکنی در بخشی از سخنان خود درباره جایگاه زبان ملی و زبان های محلی اینگونه گفت: «زبان های محلی پشتوانه ملی ما هستند و اگر ما زبان‌های محلی را حفظ نکنیم بخش یزرگی از فرهنگ مشترکمان را عملاً نمی‌فهمیم.» اما آنچه مایه نگرانیش بود، سخنانی است که هر از چندی از سوی برخی ناآگاهان و مغرضان یا متولیان غیرمسئول و ناشنا با سنت تاریخی و فرهنگی ایران، بر زبان رانده می‌شود.



این مناطق با فرهنگ نیاکانی شان است، قطع کند. مصائبی که در سده‌های اخیر بر زبان فارسی و فرهنگ ایرانی روا داشته شده، هر ایراندوست باریک بینی را نسبت به وقایعی که در عرصه فرهنگی کشور در حال رخ دادن است، حساس می‌کند. پیش‌تر نیز دکتر اصغر دادبه در همایشی که به مناسبت ارج نهادن به فعالیت دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار برگزار شده بود، به خطراتی که زبان فارسی از تهدید می‌کند اشاره کرده و گفته بود: «کودتایی علیه زبان فارسی در جریان است». البته این نخستین باری نیست که یکی از ادبای ایران‌زمین نسبت به موضوعیت دادن به بحث زبان‌های محلی هشدار می‌دهد. اعضای آذربایجانی فرهنگستان زبان فارسی، یعنی استادانی چون دکتر محمدعلی موحد و دکتر سلیم نیساری نیز چند سال پیش زمانی که موضوع تدریس زبان‌های محلی از سوی برخی مسئولین ناآگاه به شکلی مبهم مطرح شده بود، نسبت به خطرات چنین اظهارنظرهای نسنجیده‌ای هشدار داده بودند. طرح مبحت زبان‌های محلی در سال‌های اخیر که از سوی سیاستمداران آماتور برای نیل به اهداف سیاسی موضوعیت پیدا کرده، مقوله‌ای غیرتاریخی و جدید است که به دوران ترک‌تاری احزاب و جریان‌ت چپ در دهه چهل و پنجاه خورشیدی باز می‌گردد. در آن دوران نیز احزاب و گروه‌های چپ، زبان‌های محلی را چون ابزاری برای درهم کوبیدن نظم تاریخی ایران، ملعبه دست خویش قرار داده بودند. شعارهای این گروه‌ها با حساسیت ادبی وقت ایران، بی‌پاسخ نماند. منوچهر مرتضوی، عبدالعلی کارنگ، ناصر ناطق و شهریار از جمله آذربایجانیانی بودند که با انتشار مقاله، کتاب و یا سرودن شعر، به طرح چنین دعاوی ناشیانه‌ای پاسخ دادند. غلامعلی رعدی آذرخشی رئیس وقت دانشکده ادبیات دانشگاه ملی (شهید بهشتی کنونی) و از اعضای تربیزی فرهنگستان، در قصیده‌ای بلند نقشه این جریان‌ات ایران ستیز و وابسته به بیگانه که قصد داشتند با همسان قرار دادن زبان های محلی با زبان جهت در چند روز گذشته با بدگویی به این استاد ادبیات ایران، سعی در مطرح کردن خود و تخریب چهره ایشان داشته‌اند که البته جز نمایاندن چهره حقیقی نیات ایران ستیزانه و گفتار تپهی از استدلال خود، راهی از پیش نبرده-اند. اما آنچه که مهم است، توجه مسئولین امور به چنین هشدارهایی است که از سوی وطنخواهان و اندیشمندان دلسوز، مدت‌ها است در جراید و تریبون‌های غیررسمی داده می‌شود و متأسفانه تا کنون حساسیت‌متولیان امور را بر نیانگیخته است و هر از چندی شاهد شنیده شدن چنین زرمزه‌هایی از رسمی‌ترین جایگاه‌های مملکت چون تریبون مجلس هستیم. رویه‌ای که باید متوقف شود تا بیش از این اساس ملک و میهن بازبچه دست سیاستمداران فرصت طلب و عوام فریب واقع نگردد و مقدمات بهانه-جویی دشمنان این دیار را فراهم نکند.

شهیدی از دیار سبلان

شهید بنامعلی محمدزاده



خصوصیات شهید

او نمونه «شداء علی‌الکفار و رحماء بینهم» بود. از چاپلوسی و دورویی بیزار و نسبت به غیبت و تهمت بسیار حساس بود. بسیار کم سخن می‌گفت و هرگاه نیز کلامی می‌گفت بسیار سنجیده و متین بود. عشق و ارادت خاصی به خانواده‌های شهدا داشت. به نماز اول وقت و جماعت اهمیت می‌داد. شاهد این سخن مسجد صاحب‌الزمان (عج)، مسجد یاخچی‌آباد، مسجد الرسول (ص) بازار دوم نازی‌آباد و مسجد جامع خانی آبادنو است. دائم الوضو بود و در اغلب روزهای رجب و شعبان حداقل یک روز در هفته را روزه می‌گرفت. بسیار صبور و بردبار بود و در برابر مشکلات همه را به صبر دعوت می‌کرد، به خصوص صبر در شهادت‌ش.حسینعلی بایری هم‌رمز شهید روایت می‌کند: در عملیات کربلای ۵ در یک نقطه در کانال بودیم. شب را آنجا ماندیم و صبح هواپیماهای عراقی آمدند و آنجا را بمباران شیمیایی کردند. بچه‌ها ماسک‌ها را به صورت‌هایشان زدند ولی بعضی‌ها ماسک و فیلتر ماسک نداشتند. بنامعلی انتهای کانال نشسته بود و وقتی بعضی‌ها ماسک و فیلتر ندارند ماسک خودش را درآورد و گذاشت کنار کانال. بعدازظهر آن روز وقتی او را دیدم خون چشמהایش را گرفته بود. گفتم وضعیت خیلی خراب است برو اورژانس. گفت: مگر چه شده است؟ از وضع خودت خبر نداری، چشم‌های هردوی‌مان سرخ سرخ شده بود ولی چشم‌های محمدرزاده در بد وضعیتی بودند. گفتم: وضع تو خراب است بهتر است بروی اورژانس. هر دو به هم گفتیم و آخر سر هم هیچ کدامان ترفتم.

دستور می‌دهم کسی ماسکش را درنیآورد

در ادامه عملیات کربلای ۵ در حال رفتن به طرف کانال ماهی، محمدرزاده در جلوی ستون حرکت می‌کرد. عراقی‌ها شیمیایی زدند و همه، زود ماسک‌ها را زدیم. به یکبارہ شنیدیم یکی از پشت سر داد می‌زند. برگشتم پشت سر را نگاه کردم یک بسیجی بود. از سر و صدایش محمدرزاده هم برگشت عقب را نگاه کرد و از مسؤل دسته پرسید چه شده است، آن بسیجی کمی عقب مانده بود و می‌گفت: ماسکش را گم کرده است،محمدرزاده دوید طرف بسیجی و ماسکش را درآورد و به آن بسیجی داد و گفت: سریع بزن. محمدرزاده یک چفیه انداخته بود دور گردنش. آن را با قمقمه‌اش خیس کرد و جلوی دهانش گرفت. بچه‌ها رفتند طرفش و خواستند ماسک

محمود نظر علیان هنرمند اردبیلی



محمود نظرعلیان (زاده ۷ مهر ۱۳۲۹ در شهر اردبیل) بازیگر ایرانی سینما، تئاتر و تلویزیون است.وی متأهل و دارای چهار فرزند می‌باشد، وی دارای مدرک درجه یک هنری (دکتری) می‌باشد.

دیپلم افتخار چهارمین جشنواره ملی انجمن سینمای جوانان ایران - پلاک طلایی مهر و پلاک زرین پرسپولیس - ۱۳۵۶
دیپلم افتخار دانشکده هنرهای دراماتیک - ۱۳۵۸
دیپلم افتخار نخستین جشنواره فیلم‌های محراب به بهترین تیتراژ - دیپلم افتخار جشنواره فیلم‌های محراب به بهترین سناریو - ۱۳۶۰
دیپلم افتخار جشنواره فیلم‌های محراب به بهترین فیلم مستند - ۱۳۶۰
دیپلم افتخار چهارمین جشنواره فیلم وحدت به بهترین پرداخت - ۱۳۶۱
تقدیرنامه کنگره بزرگ‌داشت استاد شهریار باخاطر فیلم زندگی استاد شهریار - ۱۳۶۳
یادواره افتخار چهارمین جشنواره سینمای جوان در بخش عکس - تقدیر نامه دانشگاه علوم پزشکی استان زنجان - آبان‌ماه ۱۳۷۱
تقدیر فصلنامه فرهنگ زنجان - خردادماه ۱۳۷۹
یادواره افتخار پنجمین جشنواره سینمای جوان بخش فیلم ۱۶ م. م به عنوان بهترین فیلم داستانی
دیپلم افتخارنوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر بخش فیلم سینمایی به عنوان بهترین بازیگر مکمل مرد - ۱۳۷۹
لوح سپاس اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی برای بهترین بازی در فیلم

^[1] او نمونه «شداء علی‌الکفار و رحماء بینهم» بود

^[2] او نمونه «شداء علی‌الکفار و رحماء بینهم» بود

یکی آهنین پنجه در اردبیل

همی بگذرانید بیلک ز پیل

نمد پوشی آمد به جنگش فراز

جوانی جهان سوز پیکار ساز

به پرخاش جستن چو بهرام گور

کمندى به کفتش بر از خام گور

حکایت

تیرانداز اردبیلی

بوستان سعدی

چو دید اردبیلی نمد پاره پوش

کمان در زه آورده و زه را به گوش

به پنجاه تیر خدنگش بزد

که به یک چوپه بیرون نرفت از نمد

درآمد نمدپوش چون سام گرد

به خم کمندش در آورد و برد

به لشکر گهش برد و در خیمه دست

چو دزدان خونی به گردن بست

شب از غیرت و شرمساری نخفت

سحرگه پرستاری از خیمه گفت

تو کهن به ناوک بدوزی و تیر

نمدپوش را چون فتادی اسیر؟

شنیدم که می‌گفت و خون می‌گریست

ندانی که روز اجل کس نترست؟

من آنم که در شیوه طعن و ضرب

به رستم در آموزم آداب حرب

چو بازوی بختم قوی حال بود

ستبری پیلم نمدی نمود

چاپ: کلها

پخش: موسسه اطلاعات

شماره تماس و اشتراک: ۰۲۱-۸۸۳۴۲۱۰۹

مرکز توسعه آگهی‌ها: ۰۲۱-۸۸۸۶۰۳۱۸

نشانی: فردوسی، خیابان موسوی

کوچه آرایه، پلاک ۷ واحد ۱۲

Vatanyoli.mag@gmail.com

ورش بخت یاور بود، دهر پشت

برهنه نشاید به ساطور کشت

نه دانا به سعی از اجل جان ببرد

نه نادان به ناساز خوردن ببرد

کنونم که در پنجه اقبال نیست

نمد پیش تیرم کم از پیل نیست

به روز اجل نیزه جوشن درد

ز بیراهن بی اجل نگذرد

کرا تیغ قهر اجل در قفاست

برهنه‌ست اگر جوشش چند لاس‌ت

مقبره سر باز شهید حسین علی صد آفرین

مرزبان شهید

این مرد به تنهایی ۴ ساعت جلوی لشگر روس را می‌گیرد . دشمن پاسگاه را به توپ می بندد و هواپیماها بمباران می کنند . اما حسین علی جلوتر از پاسگاه ، تنها با یک جعبه و سه قطار فشنگ پشت تخته سنگها مردانه ایستاده است . می‌جنگد تا آخرین تیر . تا آخرین فشنگ . و همه اهالی روستا اذعان دارند در آخرین لحظه تفنگش را به سنگ زده و شکسته است . تفنگ ناموس سرپاز است . نباید دست دشمن بیافتد. جنگ تن به تن و در نهایت سرپازان روس با خشم تمام از مقاومت "تنها مرد" ، سر از تنش جدا می کنند. در ۳۵ کیلومتری شمال غرب شهرستان نمین یکی از شهرستانهای استان اردبیل پاسگاه صدآفرین قرار دارد .نام این پاسگاه سابقا (کلوز) بود. پاسگاه صدآفرین آخرین نقطه مرزی فی مابین روستای خواجه بلاغی و خوش آباد پبله رود قرار دارد . بعد از شهریور ۱۳۲۰ که متفقین به ایران حمله کردند و شهید صدآفرین دلاوری های که از خود نشان داد نام این پاسگاه صدآفرین نام گذاری شد .

در شبانگاه دوم شهریور ۱۳۲۰ در جریان جنگ جهانی دوم نمایندگان قوای روس پس از تسلیم دولت ایران ورود خود را به مرزهای ایران در منطقه نمین به پاسگاه کلوز اطلاع می دهند حسین علی صدآفرین بعنوان معاون پاسگاه انجام وظیفه می کرد او در آن زمان ۱۷ سال سابقه خدمت داشت .و از اهالی زنجان بود و ۲ پسر متولد ۱۳۰۹و۱۳۱۰ داشت و همسر وی نیز مریی قرآن بود.در روستای خواجه بلاغی زندگی میکردند . حسین علی پس از شنیدن این خبر بلافاصله پیش فرمانده پاسگاه رفته و او را در جریان قرار میدهد . ایشان تمایلی

سرگذشت نیاکان

اردبیل در متون تاریخی

آثار البلاد و اخبار العباد یک اثر جغرافیایی و تاریخی است که توسط زکریا ابن محمد ابن محمود القزوینی(۶۸۰-۶۰۰ ه‍.ق) در بین سالهای ۶۳۰ تا ۶۷۴ ه‍.ق به زبان عربی تألیف شده است.

قزوینی مولف کتاب در بخش اقالیم چهارم زیر عنوان آذربایجان آورده است:

«سرزمینی است که پهناور بین اران و کوهستان، شهرها و روستاها کوهها و رودخانه در آن سرزمین بسیارند و بی شمارند که یکی از آن کوهها سیلان است. به قول ابو حامد اندلسی، در خاک آذربایجان نزدیک به شهر اردبیل کوهی بسیار بلندو عظیم هست که آن را سیلان گویند. در خبر است که حضرت رسول اکرم(ص) فرموده هر مسلمانی آیات سبحان!... حین تمسوس و حین تصحیون تا تخریبون را بخواند به تعداد همه دانه های برفی که بر کوه سیلان فرود می آید پاداش نیک از خدا دریافت می کند. پرسیدند یا رسول الله این کوه سیلان کجا است؟ حضرت فرمود کوهی است بین ارمن و آذربایجان چشمه ای از چشمه ساران بهشت در آن جاری است، یکی از انبیاى حق در دل آن کوه مدفون است. ابوحامد می افزاید: بالای کوه سیلان چشمه ساری است که سرما یخ می بندد. در کمر و دامنه های سیلان آب معدنی هست که بیماران

را شفا دهند. در دامنه سیلان درختان بسیار تنومند رسته اند. گیاهی در آنجا روید هیچ حیوان بدان نزدیک نمی شود. هر حیوانی آن را می بیند، می گریزد، اگر احياناً بخورد سم قاتل خورده است فوراً از پای در می آید.

دهکده ای در کمره کوه است ابوالفرج ابن عبدالرحمن اردبیلی را بدیدم درباره این ده می گفت: اجنه ها در خدمت این دهکده آماده اند و کار کدخدای ده را عهده دارند، در به کرسی نشاندن فرمایشش داستاکی نقل کرد که یک وقتی ساکنان این دهکده مسجدی را بنا کردند، باید ستون ها را از سنگ خاری زیبای بسیار خوب نقادی شده را دیدند که به در مسجد ده گدا آسا صف بسته و منتظر بنا هستند.»

قزوینی در بخش یاد شده در جای دیگر کتاب خود

درباره شهر اردبیل آورده است:«اردبیل شهری است در آذربایجان، برج و باروی منیع و محکم دارد. جای شهر پهنا دشتی است از هر طرف با کوهستان یک روز راه فاصله دارد. تا دریا دو روز راه است، دشت اطراف اردبیل تا دل خواهد پر گیاه و چراگاه است. درخت های جنگلی بسیار دارد. چوب خلنج که طبق و خون و سایر ظروف از آن سازند درختش در اردبیل است. دروگران اردبیل در این کار بسیار ماهرند. شگفت اینجا است که در اردبیل با اینکه آب و هوایش معتدل است، یک درخت میوه هم نیست. نشاها را می نشاندند، لیکن نمو نمی کنند و هر گز میوه نمی دهند، که این راز پوشیده را تاکنون ندانسته اند.

ابوحامد اندلسی می فرماید: سنگی به وزن افزون تر از دویست رطل(۹۰ کیلو) گوئی وزنه آهنی است در بیرون شهر اردبیل موجود است. هرگاه مردم اردبیل نیازمند باران باشند به جای نماز باران آن سنگ را به شهر آرند، همراه سنگ بی درنگ باران می بارد که تا سنگ در شهر باشد هیچ آبی بند نمی آید. همینکه آرزو کردند که باران بسنده کند، سنگ را بر دوش گیرند و به خارج شهر برند، فوراً باران قطع شود.

زکریا قزوینی در آثار البلاد و اخبار العباد موغان را در بخش اقلیم پنجم کتاب خود یاد کرده و نوشته است: «موغان ناحیه است در خاک آذربایجان اگر از شهر اردبیل رو به تبریز سفر کنی دشت موغان در سمت دست راست توست، دشت موغان بسیار وسیع و فراخ است، سرتاشرش مرغزار و چراگاه است. با اینکه آذربایجان منطقه ای سردسیر به شمار آید، اتفاقاً دشت موغان در این میان گرمسیر است. خاک خوب و علفزاران انبوهش سبب شده که قبایل ترکمان که اکثراً دامدارا گله چرانند، در آنجا اسکان گزینند. لیکن تاتار خرابکار قبایل ترکمان را از این نعمت محروم کرده و آنها را بیرون کردند اکنون در فصول سرما مراتع تاتارها است. ابوحامداندلسی در سیاحت نامه خودنوشته است، من در موغان روستایی را دیدم بسیار آباد دزی دیدم برتبه ای که در وسط هامون بود لیکن در وقتی از اوقات مارهای بسیار و بسیار خطرناک، یکبار هجوم آوردند. ساکنان آبادیها از بیم مار فرار کردند. در آن دیار نمائد. من هم روزی در این پهنا دشت موغان، با ماری روبه رو شدم، مارمگو هیولایی بود اگر حالا نگریزی کی می گریزی، از ترس چنان دویدم که هیچ آسیبی به گرمم هم نمی رسید.



همراهی

وطن یولی نشریه‌ای کاملا مستقل فرهنگی است که با تلاش جمعی از یاران و با همراهی شما مخاطبان گرامی چاپ می‌شود ، برای ادامه راه نیازمند پشتیبانی دوستداران فرهنگ و تاریخ ایران زمین است.

همراهان این شماره

فاطمه دیده کتان ۳۰۰,۰۰۰ تومان

مهدی نقاش ۳۰۰,۰۰۰ تومان

شماره حساب وطن یولی ۹۶۴۵۳۵۲۹ به‌نام داود دشتبانی

نزد بانک ملت.

شماره کارت ۹۴۶۷۶۶۰۱۱۰۶۵۹۲۱۰ به نام داود دشتبانی

روان شاد دکتر سید فرهاد سجادی



سیدفرهاد سجادی دوم خردادماه ۱۳۴۸ در خانواده‌ای اهل علم و فرهنگ در روستای گیلوان بخش شاهرود شهرستان خلخال چشم به جهان گشود.

دوره‌ابتدایی را در زادگاهش گذراند و برای ادامه تحصیل دوره راهنمایی به همراه خانواده به مرکزشهرستان خلخال شهر هروآباد رفت و دوره دبیرستان را در شهر کرج سپری کرد. با قبولی در رشته علوم سیاسی در دانشگاه آزاد اسلامی تحصیلات عالیه را آغاز و بدون وقفه این رشته را تا مقطع دکتری با معدل بالا به پایان برد.

تدریس در دانشگاههای مختلف از جمله به دانشجویان دوره‌دکتری از دلمشغولی‌های اصلی و اساسی او بود .

تاسیس دانشگاه آزاداسلامی واحد شرق تهران از سال ۱۳۷۸ و مدیریت آن تا سال ۱۳۹۰ با ایجاد ۳۶ هزار متر فضای آموزشی و تجهیزات مدرن آزمایشگاهی و کتابخانه‌های تخصصی با استانداردهای روز ، از دوره‌های تأثیر گذار او در حوزه آموزش عالی بود.

ازجمله مسئولیتهای دیگر ایشان می‌توان به معاونت و سرپرستی استانداری فارس ، معاونت سازمان میراث فرهنگی ،صنایع‌دستی و گردشگری کشور ، مدیرکل اجتماعی مناطق آزاد تجاری ایران و معاونت مالی‌اداری شرکت بین‌المللی ایرتیک اشاره نمود.

در دوره تصدی شان درسازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با توجه به ظرفیتهای استان اردبیل از جمله شهرستان خلخال منشأ اتفاقات تأثیر گذاری در توسعه گردشگری با اعلام بخش‌های جدیدی به عنوان مناطق نمونه گردشگری در منطقه شد.

نگارش ده‌ها مقاله علمی در حوزه علوم سیاسی به ویژه جامعه‌شناسی و چندین کتاب از جمله کتاب ؛ «شهرهای کوچک و توسعه منطقاتی» و سخنرانی‌های تخصصی از دیگر فعالیت‌های علمی ایشان بوده‌است.

ایشان علاوه بر حوزه علوم سیاسی و جامعه شناسی مطالعاتی عمیق و شناختی دقیق در حوزه ادبیات از جمله شعر داشت و سخنوری حاذق و لایق بود.

دکترسیدفرهادسجادی پس‌از سپری کردن دوسال‌واندی دوره بیماری سرطان مغز صبح‌گاه ۲۸ خردادماه سال ۱۳۹۷ و در آستانه ۴۹ سالگی جان به جان آفرین تسلیم کرد و درقطعه نام‌آوران ایران در بهشت‌زهر(اس) آرام گرفت.

روحش شاد ، یادش گرامی !